



پیام نوروزی سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران

سال جدید را به سال تشدید مبارزه و سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

← ۳

سالی که گذشت و طوفانی که در راه است

طریق نیز نتوانست معضل بحران اقتصادی را حل کند. لذا رکود پیوسته عمیق تر شد و بحران اقتصادی وسعت و ژرفای بیشتری بخود گرفت. در نتیجه این رکود، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بطور مطلق نزول کرد و به زیر صفر رسید. در سالی که گذشت، بحران مالی دولت نیز به اوج تازه ای رسید و با کاهش درآمد نفت، ورشکستگی مالی دولت تکمیل شد. این ورشکستگی مالی دولت به مرحله ای رسید که کابینه خاتمی در نیمه دوم سال، اعلام نمود که بدون استقراضهای جدید حتی قادر به پرداخت یکماه حقوق مستخدمین دستگاه دولتی نیست. مجلس ارتجاع اسلامی پیشنهادات کابینه را تصویب نمود و میلیاردها ریال دیگر بر حجم بدهیهای دولت افزوده شد. دولت ورشکسته نمیتوانست قروض چند میلیارد دلاری خود را به خارج بپردازد، لذا بازم با تقبل بهره‌های سنگین، تقاضای تعویق بازپرداخت بدهی‌های خود را به انحصارات جهانی و قدرتهای امپریالیست جهان نمود. رژیم جمهوری اسلامی اکنون در چنان وضعیتی و خیم مالی قرار گرفته که باید سال به سال پرداخت بدهی‌های خارجی خود را به تعویق اندازد و از این بابت همه ساله

صفحه ۲

است. رکود همه جانبه تولید، به توقف فعالیت‌های تولیدی در تعداد کثیری از کارخانه‌ها انجامید. دهها کارخانه و صدها کارگاه به کلی تعطیل شدند و تعداد زیادی از موسسات با کاهش ظرفیت تولید به حالت نیمه تعطیل درآمدند. بخش اعظم پروژه‌های صنعتی و عمرانی دولت نیز به حالت تعلیق درآمد. خاتمی، رئیس جمهور ارتجاع اسلامی که در دوران انتخابات ادعاهای عریض و طولی در مورد بهبود اوضاع اقتصادی و توأم با آن بهبود وضعیت معیشتی توده مردم داشت، کاری جز وخامت بیشتر اوضاع نکرد. طرح ساماندهی اقتصادی او که با تبلیغات و هیاهوی پوچ، داری شفابخش اقتصاد بیمار، از هم گسیخته و بحرانی اعلام شده بود، پیش از آن که اصلاً بتواند به مرحله عمل و اجرا درآید با شکست روبرو شد و دیگر کسی نامی هم از آن نبرد. لذا خاتمی و کابینه وی راه و چاره حل بحران اقتصادی را در این دیدند که هرچه بیشتر دست به دامان انحصارات بین المللی و قدرتهای امپریالیست جهان شوند، تا با جلب حمایت آنها معضل جمهوری اسلامی را حل کنند. برغم تسهیلات متعددی که رژیم جمهوری اسلامی برای جلب سرمایه‌های بین المللی ایجاد نمود، از این

آخرین روزهای سال ۱۳۷۷ سپری میشود. دریک سالی که گذشت، اوضاع در ایران متحول و بحرانی بود. نارضایتی و اعتراض مردم به وضع موجود از همه سو جاری بود. هیئت حاکمه با درگیری‌های درونی حاد این سال را به پایان رساند. اوضاع اقتصادی جامعه و خیم تر از همیشه بود. در یک کلام، در یکسال گذشته تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه دستخوش بحرانی ژرف بود. تنها با درک این بحران ژرف میتوان حوادث سال گذشته را مورد ارزیابی دقیق و علمی قرار داد و چشم انداز تحول اوضاع را ترسیم نمود. از بحران اقتصادی آغاز کنیم که پایه تمام بحرانهاست و مستقیماً بر همه شئون زندگی مادی و معیشتی توده مردم تاثیر گذاشته است.

بحران اقتصادی

دریکسالی که گذشت روز به روز دامنه بحران اقتصادی وسعت گرفت. تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی جامعه در بحرانی ژرف تر فرورفتند و این بحران چنان ابعادی به خود گرفت که در طول دوران حاکمیت جمهوری اسلامی بی سابقه بوده

بزرگداشت سالروز قیام و سیاهکل در آلمان ← ۱۳

در این شماره

صفحه ۸	کمیونست‌ها و مسئله زن	صفحه ۶	آنها که جاودانه اند
صفحه ۴	اطلاعه مشترک	صفحه ۵ ←	کمون زنده و جاوید است، زنده باد کمون!
صفحه ۱۱	اخبار کارگری جهان	صفحه ۹	اخباری از ایران
صفحه ۱۳	کمک‌های مالی رسیده	صفحات مختلف	اطلاعه‌ها و پیام‌ها
صفحه ۱۲			مصاحبه‌ای در مورد صنعت پتروشیمی و مطالبات فوری کارگران
			از میان نشریات: فراخوان اتحاد فدائیان خلق به شرکت در انتخابات فرمایشی شوراهاى اسلامی

← ۷



گزارشی از مراسم خاک سپاری

رفیق عباس فضیلت کلام

صفحه ۱۶

سالی که گذشت و طوفانی که در راه است

در همه جا به صدا درآورد. حالا دیگر ماهیت این مرتجعین نیز حتی بر بخشی از متوهمین روشن شده است. حال دیگر بجز مرتجعین وابسته به دستگاه دولتی، طبقه سرمایه دار و جیره خواران سرمایه، کسی جرات توهم پراکنی در مورد بهبود اوضاع، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را به خود نمیدهد.

وسعت گرفتن دامنه نارضایتی و اعتراض توده‌های، و رشد و اعتلا مبارزه مردم علیه نظم موجود و دستگاه حاکمه، تنها یکی از علائم بحران سیاسی و تشدید آن است. عمیق تر شدن شکاف میان دستجات مختلف هیئت حاکمه و در درون دستگاه دولتی، نشانه دیگری از این بحران سیاسی ژرف است. در یکسالی که گذشت تضادها و اختلافات درونی مرتجعین حاکم به اوج بی سابقه ای رسید. در تمام این مدت، جناحهای هیئت حاکمه که اکنون در دو بلوک در برابر یکدیگر صف آرائی کرده‌اند، در کشمکش و جدال دائم با یکدیگر بوده‌اند. حتی بر سر کوچکترین مسائل مربوط به دولت و اداره امور کشور، اختلاف، آشکارا بروز کرده است. هر جناحی کوشیده است با خنثی سازی سیاستها و مواضع جناح دیگر، سیاست خود را به کرسی بنشاند و پیش ببرد. گاه حدت اختلافات به درگیری قهری و حتی استفاده از سلاح گرم و سرد کشیده است. برغم تلاشهایی که از هر دو سو برای سازش و کاستن از حدت تضادها و اختلافات صورت گرفت، و برغم این که تمام این مرتجعین مدافع حکومت اسلامی هستند، معزدا آتش اختلاف هر لحظه شعله ورتر شده است. این واقعیت، خود انعکاسی از ژرفای بحرانی است که در نتیجه حدت بی سابقه تضادهای اجتماعی شکل گرفته و در طول تمام دوران حیات حکومت اسلامی نظیر نداشته است. این تضادهای لاینحل و این بحران عمیق سیاسی، امکان تخفیف تضادها و سازش های پایدار را از هیئت حاکمه گرفته اس. هر جناحی میخواهد به شیوه خود و با تاکتیکها و سیاستهای خود بر این تضادها و بحرانها فائق آید. در اینجا است که تشدید تضادها و اختلافات ناگزیر شده است و از همین جاست که در یک سال گذشته کشمکش و درگیری میان جناحهای هیئت حاکمه لاینقطع ادامه یافته و بر ابعاد بحران سیاسی موجود افزوده است.

این شکاف عمیق به بارزترین شکل ممکن، این واقعیت را در برابر همگان قرار داده است که این رژیم توان حکومت کردن را از دست داده است.

جهت تحول اوضاع در کدام سو خواهد بود؟

یک سال، با گسترش اعتراض و مبارزه مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی، با کشمکش و مبارزه درون طبقه حاکم، با تشدید بحران اقتصادی و سیاسی سپری گردید، اما بعد چه خواهد شد؟ با این اوضاع کدام چشم انداز در برابر ما است و محتمل ترین جهت تحول اوضاع در کدام سو خواهد بود؟

از بررسی اوضاع در یکسال گذشته این واقعیت بر هر کس آشکار میگردد که جمهوری اسلامی در چنگال انبوهی از بحرانها گرفتار است. بروز این بحرانهای بزرگ که بارزترین تجلی آنها بحران عمیق اقتصادی و سیاسی موجود است، ناشی از حدت تضادهایی است که بدرجهای انفجار آمیز رشد کرده اند. لذا تنها با حل و یا تخفیف این

این جمعیت انبوه، فراوانند مردمی که از داشتن یک لقمه نان خشک و خالی هم محروم اند. این فقر وحشتناک، زندگی بخش عظیمی از مردم را تباه کرده است. پدیده اسفبار خودکشی‌های فردی و دستجمعی، محصول این شرایط هولناک است. با گسترش روزافزون فقر، مفاسد اجتماعی نیز شدیداً رشد کرده اند. میلیونها تن از مردم فقیر بویژه جوانانی که بیکارند و علاوه بر این زیر فشارهای متعدد حکومت اسلامی قرار گرفته اند، به مواد مخدر روی آورده و معتاد شده اند. فحشا و سیعا گسترش یافته و زنان و دخترانی که از تامین حداقل معیشت خود و خانواده شان بازمانده به خودفروشی روی آورده اند. اینهاست ثمره نظام سرمایه داری برای توده مردم ایران. اینهاست ثمره حاکمیت ننگین حکومت اسلامی. اینهاست نتیجه عملکرد خاتمی و کابینه او در یکسال گذشته.

بحران سیاسی

در سالی که گذشت با یکرشته رویدادها و حوادث سیاسی نیز روبرو بودیم که بازتابی از بحران سیاسی و تشدید آن بودند. مهمترین این رویدادها که تعیین کننده ماهیت این بحران اند، با رشد هر چه وسیعتر نارضایتی توده مردم از وضع موجود، رشد اعتراضات و گسترش مبارزات توده ای مرتبط بودند. در یکسال گذشته مبارزه طبقه کارگر بارشده و اعتراضات روزافزونی روبرو بود. درصدها مورد، کارگران به اعتصاب روی آوردند، دست به راهپیمایی در خیابانها زدند و حتی به تظاهرات، بستن جاده ها و اشکال دیگر مبارزه متوسل شدند. در سطح جنبش های عمومی توده ای، شاهد اعتراضات، تظاهرات و درگیری های توده ای، در تهران، کردستان، مازندران و برخی شهرهای دیگر بودیم. موج نارضایتی و اعتراض تمام دانشگاههای سراسر کشور را نیز فراگرفت. در این مدت، دانشجویان پیوسته دست به اعتصاب، گردهم آئی، راهپیمایی و تظاهرات زده اند. رژیم جمهوری اسلامی در برابر رشد اعتراض و مبارزات توده ای به حربه همیشگی خود متوسل شد. سرکوب و اختناق را تشدید کرد. اعتراضات توده ای را با قهر و گلوله پاسخ داد. برای خفه کردن صدای اعتراض مردم بر ابعاد و حسیکیهای خود افزود. نویسندگان آزادی خواه و مخالفین سیاسی را روز روشن در خیابانهای تهران ربود و به قتل رساند، یا آنها را در منازلشان ترور کرد. تعدادی از زندانیان سیاسی سابق را مجدداً دستگیر نمود و بازهم زندانهای خود را از مخالفین سیاسی انباشته کرد. اگر تاکنون زندانیان سیاسی را مخالفان حکومت اسلامی تشکیل میدادند، اکنون با تشدید سرکوب، اعتراض و مخالفت‌های ناچیز طرفداران حکومت اسلامی نیز با سرکوب و زندان پاسخ داده میشود. کافی است که فلان طرفدار حکومت اسلامی اعتراضی به یکی از عملکردهای جمهوری اسلامی داشته باشد و یا نظری متفاوت از سران رژیم ارائه دهد تا دستگیر و روانه زندان شود. در همین مدت، رژیم جمهوری اسلامی بردامنه فشار به مطبوعات نیز افزود و تقریباً تمام نشریاتی را که مستقیماً به یکی از جناحهای حکومت وابسته نبودند، تعطیل نمود. تمام این سرکوبگریها و تشدید اختناق، کوس رسوائی محمد خاتمی و طرفداران او را که به مردم وعده آزادی در چارچوب حکومت اسلامی را میدادند

میلیاردها دلار از حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران را بعنوان بهره بردارد. منابع دولتی از افزایش حجم واقعی بدهی های خارجی دولت سرباز میزنند. اما برخی مقامات و منابع خارجی، حجم تمام بدهی های خارجی دولت را رقمی حدود ۳۰ میلیارد دلار برآورد میکنند. در یکسالی که گذشت، در نتیجه تشدید بحران، از هم گسیختگی اقتصادی و سیاستهای ارتجاعی دولت، نرخ رشد تورم دوباره حرکتی جهش وار داشت. بانک مرکزی نرخ رشد تورم را رقمی حدود ۲۰ درصد اعلام کرده است. اما نرخ واقعی تورم از دو برابر رقم اعلام شده نیز تجاوز می کند. مردم ایران این حقیقت را در زندگی روزمره خود می بینند. بهای عموم کالاها مورد نیاز توده های وسیع مردم در این یکسال بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. قلابی بودن آمار اعلام شده بانک مرکزی از طریق این واقعیت نیز اثبات میگردد که تنها در نیمه دوم سال جاری ارزش ریال حدود ۵۰ درصد کاهش یافت و حالا برای خرید هر دلار نه ۵۰۰ بلکه نزدیک به ۱۰۰۰ تومان باید پرداخت شود. این بدان معناست که بهای اغلب کالاهایی که از خارج وارد میشوند، خواه مستقیماً به دست مصرف کننده برسند و یا به عنوان مواد خام، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای مورد استفاده کارخانه ها قرار گیرند، به دو برابر افزایش یافته است. افزایش شدید نرخ تورم علاوه بر علت های ریشه ای تر آن که به از هم گسیختگی و بحران اقتصادی مربوط میشود، با سیاستهای پولی و مالی دولت مرتبط است.

خاتمی در یکسال گذشته تلاش نمود تا تمام بار ورشکستگی مالی دولت را بردوش توده های زحمتکش مردم بیاندازد. بهای کالاهایی که در انحصار دولت اند روز به روز افزایش یافتند. از طریق دهها نوع عوارض و مالیات، بخش دیگری از هزینه ورشکستگی خود را بردوش مردم زحمتکش انداختند. استقراض های کلان دولت از بانک مرکزی نیز چیز دیگری جز سرشکن کردن مخارج دستگاه انکل دولت برگزیده مردم نبود. به هر عرصه زندگی اقتصادی جامعه که نظر بیافکنیم، بحران و تشدید آن را می بینیم. این بحران تأثیرات ویرانگری بر شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان برجای گذاشت. در یکسالی که گذشت، تحت تأثیر تشدید بحران اقتصادی، دهها هزار کارگر در سراسر ایران بیکار شدند و از همان دستمزد ناچیزی که کفاف حداقل معیشت آنها را نمیداد، محروم گشتند. صدها هزار جوانی که در جستجوی کار به بازار کار سرازیر شده بودند، به ارتش میلیونی بیکاران پیوستند. وضعیت مادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان شاغل بازهم وخیم تر شد. سرمایه داران به بهانه بحران اقتصادی، با زدن و محدود کردن مزایای کارگران، افزایش ساعات کار و شدت بخشیدن به روند کار، استثمار را تشدید کردند. در تعدادی از موسسات، حتی دستمزد اسمی کارگران کاهش یافت. در نتیجه رشد فاساد گسیخته تورم، دستمزد واقعی عموم کارگران به میزان کم سابقه ای کاهش یافت و قدرت خرید و سطح معیشت توده کارگر، به نحوی فاجعه بار تنزل پیدا کرد.

فقر و فلاکت ابعادی به وسعت سراسر ایران به خود گرفته است. حتی بر طبق آمار که موسسات دولتی ارائه میدهند امروزه حدود ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی میکنند. در میان

پیام نوروزی سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران

سال جدید را به سال تشدید مبارزه و سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

کارگران، زحمتکشان، روشنفکران انقلابی!

آخرین روزهای سال ۷۷ در حال سپری شدن است. اگرچه مختصات عمومی سالهای گذشته، در یکساله اخیر نیز بنحوی تکرار و تداوم یافته است، اما سیر رویدادها در این یک سال به نحوی بود که کل نظام حاکم و دستگاههای حکومتی را بطور بیسابقه‌ای تضعیف و متزلزل ساخت و رژیم اسلامی را با شتابی فزاینده به آستانه فروپاشی قطعی نزدیکتر ساخت.

وخامت اوضاع اقتصادی با سالهای گذشته قابل قیاس نبود. کاهش بهاء نفت در بازارهای بین المللی، تمام پیکره نظام حاکم بر ایران را متاثر ساخت و اثرات شکننده‌ای بر آن گذاشت. حدت بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی رژیم توأم با سیاستهای ضد کارگری آن، وخامت وضعیت اقتصادی را بطور همه جانبه ای تشدید کرد. دولت اسلامی با انتشار اوراق قرضه، استقراض خارجی، قرضه بانکی، پیش فروش نفت و امثال آن نیز نه فقط نتوانست گرهی از معضلات و تنگناهای اقتصادی بگشاید، بلکه اوضاع را وخیمتر ساخت. از نظر مالی، کار رژیم به آنجا کشید که دولت بدون قرضه خارجی، حتی قادر به پرداخت حقوق کارمندان خود هم نبود. «طرح سازماندهی اقتصادی» کابینه خاتمی هم از معالجه اقتصاد بیمار رژیم در حال احتضار بازماند. طرح‌های دولت خاتمی که اساسا در چارچوب طرح‌های دولت پیشین بود، مکررا با شکست روبرو شد. واگذاری واحدهای تولیدی و صنعتی دولتی به بخش خصوصی نیز چاره ساز نشد، اما در عوض مشکلات کارگران را دو چندان کرد. رژیم اسلامی طبق معمول بار بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی را بردوش کارگران و زحمتکشان انداخت. قیمت کالاها و مایحتاج عمومی بازم افزایش یافت. نرخ تورم همچنان روند فزاینده‌ای را پیمود. سطح زندگی و معیشت میلیونها کارگر و خانواده های کارگری بیش از پیش تنزل یافت. صدها واحد تولیدی به رکود کشیده و تعطیل شد. موج وسیع بیکارسازها، صدها هزار کارگر را خانه نشین کرد و صف میلیون بیکاران را مترامتر ساخت. دهها هزار کارگر دیگر بلا تکلیف شدند و در معرض اخراج و بیکاری اند. به هزاران کارگر در تمام طول یکسال گذشته و حتی پیش از یکسال، هیچگونه دستمزدی پرداخت نشده ودر عوض فشار کاربر طبقه کارگر و استثمار تشدید شده است. فشارهای اقتصادی و معیشتی که رژیم بر دوش کارگران و خانواده های کارگری و عموم توده های زحمتکش تحمیل کرد، حقیقتا بسیار سنگین و غیر قابل تحمل بوده است. در عرصه مسائل سیاسی نیز جمهوری اسلامی که جز تشدید خفقان و سرکوب نمی شناخت، به این سیاست تداوم بخشید و آنرا تشدید نمود. سران رژیم مکرر در مکرر مطبوعات و نویسندگان را با شمشیر و سرنیزه تطعیل و تهدید کردند. یورش‌های همیشگی به چاپخانه ها، سخنرانی ها و روزنامه ها تشدید شد. حتی روزنامه‌های چون «جامعه» که آمده بود میان دولت و مردم «نقش واسطی» بازی کند تا «فشارها و تعارضات نظام را تعدیل کند» و موضوع سرنگونی رژیم را «به آستانه محاق» بکشاند تداوم و بقاء آن را تضمین کرده باشد نیز توقیف و تعطیل شد. مجلس ارتجاع نیز تا توانست قوانینی علیه مطبوعات، علیه زنان، علیه آزادی‌ها و برای تأمین خفقان بیشتر به تصویب رساند. سالی که گذشت در عین حال سال ایجاد رعب و هراس و عملی ساختن تهدیدها بود. سال آدم ربائی‌ها، گردن زدن‌ها و زبان بریدن‌ها! سال جنایات فجیعی بود که رژیم برای ترساندن مردم بدان دست می زد. مردمی که نارضایتی عمیق و روحیه اعتراضی آنها، رژیم را سخت به وحشت انداخته بود و سرانجام این اقدامات جنایتکارانه، بریستر همین نارضایتی و اعتراض توده ای، به آنچنان معضلی برای رژیم تبدیل شد که نه فقط هیأت حاکمه را به موضع دفاعی انداخت، بلکه برگسترش اعتراضات علیه حکومت مذهبی نیز دامن زد و تضعیف بیش از پیش حکومت اسلامی را در پی داشت.

کارگران، زحمتکشان، روشنفکران انقلابی!

سال گذشته همانطور که همه ما شاهد بودیم، سال تشدید تضادها و تعمیق شکاف در بالا و در دستگاه حکومتی هم بود. سالی بود که تمام تلاش‌های رژیم برای جلوگیری از تعمیق این شکاف بی ثمر ماند. رژیم در عین حال تلاش زیادی بکار برد تا تمام مسائل را در محدوده اختلاف میان جناح‌ها نگاه دارد و از ورود مستقل مردم به صحنه جلوگیری کند. اما توده های مردم توانستند با استفاده از این شکاف و اختلاف، حرکت های اعتراضی و مستقل خویش را سازمان دهند و بخشا خواست‌های مستقل خود را نیز به میان بکشند. دهها اعتصاب، تجمع اعتراضی، راه پیمانی، تظاهرات و سایر اشکال اعتراضی و مبارزه کارگری شاهد این مدعاست. هزاران تن از کارگران پروژه ای نفت آبادان، کارگران کاشان و کارگران چیت سازی بهشهر، دست به راه پیمانی و تظاهرات زدند. دهها هزارتن از کارگران در سراسر ایران، از تهران و همدان و گیلان و مازندران گرفته تا خوزستان و شیراز و اصفهان و یزد و کرمان و خراسان، بکرات دست به اعتصاب زدند و یا با برپائی تجمعات اعتراضی، علیه فشارهای حکومتی و سیاستهای ضد کارگری آن به اعتراض برخاستند. افزون بر اینها، هزاران تن از زحمتکشان مناطق شهری نیز علیه رژیم دست به شورش و اعتراض زدند. هزاران تن از زحمتکشان منطقه پل ساوه در جنوب غربی تهران، زحمتکشان شهرک مسعودیه واقع در جنوب شرقی تهران و زحمتکشان منطقه امین آباد، با برپائی تظاهرات و راه پیمانی به اعتراض علیه رژیم برخاستند و با آتش زدن لاستیک و ایجاد راه بن‌دان و سردادن شعارهایی علیه رژیم و سران آن، موسسات و مراکز دولتی را نیز مورد حمله قرار دادند. شورش های شهری، به مناطق تهران محدود نماند. سایر شهرها بویژه شهرهای کردستان نیز شاهد یک رشته حرکات و جنبش های اعتراضی بوده است که از جمله میتوان به تظاهرات اعتراضی مردم پیرانشهر، مریوان، مهاباد، سقز، بانه، سردشت، ارومیه و تظاهرات اعتراضی مکرر مردم سنندج اشاره کرد. دانشگاههای کشور نیز از این جو اعتراضی برکنار نبود. اعتصابات و حرکت های اعتراضی مکرر و اعتلاء یابنده دانشجویان، بلحاظ کمی و کیفی گامهای دیگری به جلو برداشت.

کارگران، زحمتکشان، روشنفکران انقلابی!

با استناد به آنچه که فوق‌الذکر اشاره شد، سالی که گذشت، خواه در عرصه اقتصادی و سیاسی و خواه در عرصه اقدامات سرکوبگرانه رژیم بمنظور مرعوب ساختن کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار ستم‌دیده و آزادیخواه، سال شکست‌های مکرر جمهوری اسلامی بود که به رسوائی و تضعیف بیش از پیش آن نیز منجر شد. سالی بود که تمامی استحاله طلبان و همه مجیز گوینان رژیم و دامن زندگان امیدهای واہی را بیش از گذشته رسوا و مفتضح ساخت. سال ۷۷ در همان حال که سال گسترش و پیشروی جنبش های اعتراضی و نطفه بندی جنبش های مستقل توده ای بود، در عین حال بحران فروپاشی و سرنگونی حکومت اسلامی را به مراحل نهائی خود نزدیک و نزدیکتر ساخت. رویدادهای یکسال گذشته به روشنی این حقیقت را ثابت می کند که حکومت اسلامی دیگر قادر نیست به شیوه های گذشته بر مردم حکومت کند و از این هم مهمتر، توده های زحمتکش مردم نیز دیگر نمی‌خواهند مثل گذشته زندگی کنند. حکومت اسلامی هم اکنون در حال گذراندن واپسین مراحل حیات خویش است و آخرین نفس هایش را می‌کشد. پس بیانیید تا با تشدید مبارزات خود، نفس آن را ببریم و سال جدید را به سال سرنگونی رژیم تبدیل کنیم. روزی که که این رژیم سرنگون شود، روزی که حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان مستقر گردد، بدون شک آن روز عید واقعی هم فرا رسیده است. پس به امید آن روز، نوروز را به شما تبریک می گوئیم و به استقبال سال نو می‌شتابیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت)

اسفند ۱۳۷۷

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

سالی که گذشت و طوفانی که در راه است

تضادها امکان رفع این بحرانها، برای همیشه و یا به شکلی موقتی وجود دارد. یعنی حل قطعی تضادها با دست بردن به ریشه‌ها و تغییربنیادی درنظم موجود ممکن است، و راه حل بوروکراتیک و موقتی آن، تحت شرایطی خاص از طریق اصلاحات ناچیز برای تخفیف این تضادها امکان پذیر می‌باشد. اما مساله اکنون این است که با توجه به حدت تضادها و ژرفای بحرانهای موجود، آیا جمهوری اسلامی میتواند موقتا هم که شده براین تضادها و بحرانها غلبه کند؟ در اینجا نیز از بحران اقتصادی آغاز میکنیم. چرا این بحران تا بدین حد عمیق شده و گسترش یافته که هیچیک از اقدامات حکومت برای کنترل و مهار آن کارساز نبوده است؟ سران رژیم و کارگزاران سیاستهای حکومت اسلامی، ادعا میکنند که ابعاد وخیم بحران کنونی بخشا به کاهش درآمدهای دولت از نفت و بخشا به تاثیر بحران جهانی نظام سرمایه‌داری مربوط میگردد. تاثیر این دو عامل را بر بحران اقتصادی جامعه ایران نمیتوان انکار کرد، اما این عوامل علت بحران نیستند، بلکه عوامل تاثیرگذار بر آن محسوب میشوند. بحران اقتصادی موجود هنگامی تشدید شد که هنوز دورجدید بحران اقتصادی جهانی فرانسیده بود و درآمدهای دولت از نفت نیز در بالاترین حد آن بود. پس علت بحران را باید در جای دیگر جستجو کرد. علت این بحران همانا تضادهایی است که نظام سرمایه داری حاکم بر ایران حامل آنهاست. علت این بحران را باید در تضادهای لاینحل این نظام و در مناسبات پوسیده آن که امکان تحول را در جامعه ما سد کرده است، جستجو نمود. معذرا ما این را می دانیم که هرآنچه مناسبات سرمایه‌داری پوسیده باشند، مادام که طبقه کارگر برای سرنگونی این نظام بپناخیزد، بورژوازی میتواند موقتا بحرانهای اقتصادی خود را حل کند و نظام سرمایه‌داری مرحله بحران را در سیکل اقتصادی پشت سر بگذارد. اگر این بحث واقعیت دارد پس علت چیست که جمهوری اسلامی در سراسر دوران حیات خود، همواره با بحران اقتصادی روبرو بوده و این بحران برغم افت و خیزهای پیوسته تشدید شده است؟ علت این امر را باید در وضعیت خاص ایران، در عدم انطباق، ستیز و کشمکش و تضادهای جدی زیربنای اقتصادی جامعه با روبنای سیاسی موجود جستجو کرد. از هنگامی که جمهوری اسلامی در ایران به قدرت رسید و تلفیق آشکار دین و دولت در دستور کار قرار گرفت، دولت مذهبی کوشید تمام روبنای سیاسی - ایدئولوژیک را بر طبق ارزشها و نرم های دولت مذهبی تغییر دهد و ارزشها و مناسبات معینی را جبراً به جامعه تحمیل نماید که با مناسبات اقتصادی موجود در تضاد و اصطکاک قرار میگرفت. همین تضاد است که اقتصاد سرمایه داری حاکم بر ایران را با بحرانی مداوم روبرو ساخته است. اما اکنون این تضاد به مرحله ای رسیده که خود را به شکل بحرانی همه جانبه و عمیق بروز داده است که راه حلی جدی را میطلبد. این راه حل، در هر حال مستلزم نفی تضاد و تغییر در روبنای سیاسی است. از این رو حل بحران از عهده حکومت اسلامی ساخته نیست و جمهوری اسلامی رسالتی جز تشدید بحران اقتصادی ندارد. با این توضیح، چشم انداز اوضاع اقتصادی در سال آینده

اطلاعیه تشکیل کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران

حزب کمونیست ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان (اقلیت) و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، به دنبال جلسات و مذاکرات چهارجانبه خود، در زمینه همکاریهای مشترک، توافق کردند که کمیته‌ای به نام کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران را تشکیل دهند. کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران، تلاش میکند تا با بهره گیری از امکانات تبلیغی و نیروهای هر چهار سازمان در داخل و خارج ایران، مبارزات کارگران و زحمتکشان را در وسیع ترین حد ممکن، بگوش مردم ایران و نیز نیروهای فعال جنبش کارگری جهان و رسانه‌های جمعی برساند. کمیته دفاع مشترک در هر جا که ممکن باشد، با کمک و همبستگی با احزاب، سازمانها و افراد طرفدار سوسیالیسم، و نیز در همکاری با کمیته‌هایی که اهدافشان همسوی آن باشد، مبارزه خود را به پیش خواهد برد.

کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران، بطور جدی نیازمند آن است که پیشروان و سازمانگران جنبش کارگری ایران با آن در تماس باشند. ما از تمام احزاب و سازمانهای سیاسی و نیز افراد مترقی و طرفدار حقوق کارگران میخواهیم که با این کمیته در مبارزه برای دفاع از مطالبات کارگران ایران همصدا شده، تا همبستگی و اتحاد خود را در مقابل ظلم و ستمی که رژیم ضد کارگری و قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران بر کارگران و زحمتکشان روا میدارد، تحکیم بخشیم. ما از رفقا و دوستان خود در همه جا میخواهیم که امر کارگران را در اولویت قرارداده و از هیچگونه تلاشی جهت تقویت جنبش کارگری ایران فروگذار نکرده، و با همکاری و اتحاد با یکدیگر و سازمانها و افراد مترقی، در اعتلا و شریخی مبارزات کارگران ایران بکوشند.

حزب کمونیست ایران
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان فدائیان (اقلیت)
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۲۱ بهمن ماه ۷۷ - ۹ فوریه ۹۹

حکومت اسلامی است که حتی به مطالبات بسیار فوری مردم تن دهد و نه در موقعیتی است که بتواند بهبودی هرچند ناچیز در وضع توده‌ها پدید آورد. امام مردم، توده‌های کارگرو زحمتکش، زنان، جوانان، روشنفکران، خواستهای مطالباتی دارند که خواهان تحقق فوری آنها میباشند. جمهوری اسلامی در برابر خواستهای مردم مقاومت خواهد کرد، این مقاومت مرتجعین، تشدید بیشتر تضادها و اعتلا و گسترش جنبش توده‌ای علیه رژیم را در پی خواهد داشت. واقعیت این است که هنوز تا این لحظه برغم اعتراضات وسیع مردم - مبارزات کارگران و جنبشهای توده‌ای عمومی - یک جنبش علنی سراسری که بتواند مقاومت رژیم را درهم بشکند شکل نگرفته است. چنین جنبشی تنها میتواند با ارتقا مبارزه کنونی طبقه کارگر به یک مبارزه سیاسی شکل بگیرد. چرا که تنها طبقه کارگر توان قدرت آن را دارد که به جنبش سیاسی به وسعت سراسر ایران شکل دهد. با این سرعتی که تحول اوضاع به خود گرفته است و بر بستر بحرانهای اقتصادی و سیاسی که روز به روز ژرف تر میشوند، این چشم‌انداز هر لحظه روشن‌تر میشود که طبقه کارگر ایران به مبارزه سیاسی علنی روی آورد و به یک جنبش سیاسی سراسری علیه رژیم شکل دهد. با پیدایش این جنبش است که بحران سیاسی به‌اوج خود خواهد رسید و طوفان جنبش انقلابی توده‌های مردم طومار ننگین حکومت اسلامی را درهم خواهد پیچید. این طوفان در راه است و فراخواهد رسید.

وخیم تر از امسال خواهد بود. بحران تشدید خواهد شد و شرایط مادی و معیشتی توده مردم با زهم با وخامت بیشتری روبرو خواهد شد. کارگران و زحمتکشانی که روزمره زیر بار این بحران قرار دارند، استوارتر به مبارزه علیه نظم موجود و پاسدار آن، حکومت اسلامی برمیخیزند، و جنبش اعتراضی علنی ابعاد وسیع تری به خود خواهد گرفت.

توام با تشدید بحران اقتصادی و رشد و گسترش جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان، بحران سیاسی موجود نیز به مرحله عالی تری از رشد و رسیدگی خود ارتقا خواهد یافت. این بحران که محصول تضادهای لاینحل نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود است، تا همین لحظه نشان‌دهنده است که یک بحران معمولی نیست که با حک و اصلاح نظام موجود و در چارچوب قوانین و مقررات موجود حل گردد. به عبارت دیگر این بحران سیاسی، یک بحران قانونی نیست که هیئت حاکمه بتواند از طریق یک روشته اقدامات بوروکراتیک - فرمیستی آن را حل کند. این بحران، تغییرات ژرفی را می‌طلبد که از طریق انقلاب میسر است. این بحران تا همین لحظه ماهیت و خصلت خود را آشکار نموده است. مردم با صدای بلند، با اعتراض و مبارزه خود، به مرتجعین حاکم بر ایران فهمانده اند که دیگر نمیخواهند وضع موجود را تحمل کنند. هیئت حاکمه نیز عملاً با این واقعیت روبروست که دیگر نمیتواند به شیوه گذشته حکومت کند. با این وجود، این بدان معنا نیست که جمهوری اسلامی میتواند یا میخواهد به خواست مردم تن دهد. نه در ماهیت

بعثت تراکم مطالب ادامه مقاله

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری
در شماره آتی نشریه کار درج میگردد

کمون زنده و جاوید است ، زنده باد کمون !

را جریمه می کردند و از این طریق نیز بخشی از دستمزد آنان را به جیب می زدند. کمون با این مسئله نیز به مقابله برخاست، آن را قابل مجازات شناخت و منسوخ کرد. کمون یک کارگرآلمانی را وزیرکار خود کرد. کمون اداره امورکلیه کارخانه هائی را که صاحبان آن ها این واحدها را تعطیل می کردند تا از این طریق علیه کمون توطئه کنند، به کارگران و اتحادیه های کارگری واگذار کرد. در حکومت کمون ، در جمهوری کار ، که پرچم پرولتاریا بر فراز آن در اهتزاز بود، کارگران و دیگر کموناردها، علیرغم کار سخت و دشوار خود ، حقوق ناچیزی دریافت می کردند که در آن زمان حتی به یک پنجم حقوق منشی یکی از مدارس لندن هم نمی رسید!

"چه اعجاب انگیز است تغییراتی که کمون در پاریس بوجود آورد ! دیگر اثری از پاریس درباری ماب امپراطوری دوم نبود. پاریس دیگر محل ملاقات زمین داران انگلیسی و کالتا ایرلندی و برده فروشان قدیم و سیورساتچی های در آمریکا پولدار شده و برده داران سابق روسیه و اشراف والا ک نبود. دیگر در سردخانه ها نعش پیدا نمیشد دیگر دستبردهای شبانه و دزدی تقریباً از بین رفته بود، در واقع پس از فوریه ۱۸۴۸ برای اولین بار کوجه های پاریس بدون پاسبان، امنیت یافته بود، یکی از اعضا کمون میگفت "دیگر صحبتی از قتل و دزدی و تهاجم نیست، کوئی که پلیس تمام مشرتی های محافظه کارش را با خود به ورسالی برده است" (مارکس)

آری، کمون بطور عمده حکومت طبقه کارگرو نتیجه جنگ طبقاتی تولید کنندگان علیه طبقه غاصبان بود. کمون همان شکل سیاسی ای بود که رهائی اقتصادی کاررا را ممکن می ساخت. این شکل سیاسی سرانجام پیدا شده بود.

بدون این شرط اخیر سازمان کمونی ، یک چیز غیر ممکن یا یک خدعه بیش نمی توانست باشد ، تسلط سیاسی تولید کنندگان نمی تواند با ادامه اسارت اجتماعی اش سازگار باشد، و کمون آمده بود تا از خلع ید کنندگان خلع ید کند و زمینه اقتصادی وجود طبقات را ریشه کن سازد. آری، کمون ، این ابتکار تاریخی پرولتاریا ، به روی بشریت ستم کشیده، دنیای جدیدی را گشوده بود.

اما بورژوازی و تمامی پاسداران نظم کهنه پیشین که از همان آغاز متفامی خویش را در مخاطره میدیدند، به سبعاقل ترین اقدامات علیه کمون دست زدند و پاریس را و حشیانه مورد حمله قرار دادند. مدافعین کمون قهرمانانه علیه دشمنان طبقاتی خود جنگیدند. کموناردها تا آخرین نفس شجاعانه از آرمان های خویش دفاع کردند. بورژوازی فرانسه برای قتل عام پرولتاریا دست در دست حکومت پروس گذاشت و در جریان کشتار و قتل عام دهها هزارتن از پارسیان قهرمان ، حتی به کودکان هم رحم نکرد . آری بورژوازی، پاریس قهرمان و کمون اش را در خون کارگران غرقه ساخت ، اما همانطور که مارکس هم در آن موقع گفت، بورژوازی نمیتوانست و نتوانست اندیشه حکومت نوع کمون و خاداره کموناردهای قهرمان را نابود کند و کمون جاودانه شد. "پاریس کارگربا کمون اش، به عنوان پیشتاز پرافتخار جامعه نو جاوید خواهد ماند، شهیدان آن در قلب بزرگ طبقه کارگر جای خواهند داشت. قاتلان آن را هم اکنون چنان به چار میخ کشیده است که تمام دعاهای کشیش هایش هم قادر به نجاتشان نیست." کمون، زنده و جاویدان است، زنده باد کمون !

اولین بیانیه خود چنین گفت " پرولتاریای پاریس در میان ضعف و خیانت های طبقه حاکمه دریافتند که ساعت عمل برای نجات اوضاع از راه بدست گرفتن امورکشور فرا رسیده است . پرولتاریا پی برده است که حق مطلق و وظیفه فوری اوست که سرنوشتش را بدست گیرد و از راه قبضه کردن قدرت آن را به پیروزی برساند"

اکنون پاریس بپا خاسته بود ، تا خواست مبهم گذشته خود را که در فریاد "جمهوری اجتماعی" تجلی می یافت، این بار در شکل مشخص آن، کمون متحقق سازد. پاریس، مقرر قدرت حکومتی سابق و درعین حال دژ اجتماعی طبقه کارگرفرانسه، مسلحانه قیام کرد تا کوشش "تی یر" در باز گرداندن وادبی ساختن قدرت حکومتی سابق را که میراث امپراطوری بود خنثی نماید، اگر مقاومت پاریس ممکن گردیده بود، به دلیل آن بود که در نتیجه محاصره ، خود را از شرارتش خلاص کرده و گارد ملی مرکب از کارگران را جانشین آن کرده بود. حال می باید، این واقعه به یک نهاد اجتماعی مبدل شود ، از این رو اولین تصویب نامه و اقدام کمون ، حذف ارتش دائمی و جانشینی آن توسط ارتش مرکب از خلق مسلح بود. کمون تشکیل میشد از مشاوران انجمن شهر، که از راه ارژ عمومی، در محلات مختلف انتخاب شده و دارای مسئولیت و قابل انفصال در هر زمان بودند. اکثریت اعضای آن را کارگران و نمایندگان معروف طبقه کارگر تشکیل می دادند . کمون نه فقط مجمع قانون گذاری بلکه یک ارگان کار و اجرایی نیز بود. پلیس بجای اینکه بازهم عامل حکومت مرکزی باشد، فوراً از اختیارات سیاسی اش محروم شد و به عامل کمون که مسئول و در هر لحظه قابل انفصال است تبدیل گشت . در مورد کارمندان تمام شاخه های اداری نیز به همین ترتیب عمل شد، از اعضا کمون گرفته تا پائین ، حقوق کارمندان خدمات عمومی مساوی دستمزد کارگران شد. امتیازات و حقوق ویژه مقامات عالی رتبه دولتی همراه با خود این مقامات حذف گردید.

بعد از حذف ارتش دائمی و پلیس که قوه فیزیکی و قهریه نظم پیشین بودند ، کمون برآن شد تا نیروی معنوی یعنی قدرت کشیش ها را نیز از راه عزل و خلع ید از تمام کلیساها درهم بشکند. پس کشیشها بسوی آرامش زندگی خصوصی فرستاده شدند، تا به تقلید از پیشینیان خود (حواریون)، از راه صدقه مومنان ارتزاق کنند. تمام موسسات آموزشی مجاناً بروی خلق باز شد و درعین حال از هر نوع اعمال نفوذ دولت و کلیسا رها گردید. کمون پاریس البته می بایست الگوئی برای مراکز صنعتی بزرگ فرانسه باشد . در طرح مختصر سازمان کشوری، که کمون وقت نکرد آن را کامل کند، به روشنی اعلام شده بود که کمون می باید شکل سیاسی حتی کوچکترین واحدهای روستائی باشد . اداره کمونهای روستائی هرمنطقه به عهده مجلسی بود که در شهر مرکزی آن منطقه و با شرکت نمایندگان کمون ها تشکیل می شد و این مجالس منطقه ای به نوبه خود میبایست نمایندگان به مجلس ملی درپاریس بفرستند. هر نماینده در هرلحظه قابل انفصال و مقید به اختیارات موکلانش می شد .

کمون تمام نیروهائی را که تا آن وقت انگل دولت (که از قبل جامعه می خورد و حرکت آزاد آن را فلج می کرد) به خود جذب می نمود ، دوباره به جامعه بازگرداند. کمون کارشبانه شاگرد نانوایان را ملغاً ساخت. کارفرمایان به هربهانه ای کارگران

۱۲۸ سال پیش، روز هجدهم مارس ۱۸۷۱، پارسیان که در اس آنها پرولتاریا قرار داشت، برقراری کمون را اعلام کردند. پرولتاریا که پیش از این کرارا مشاهده کرده بود که سرمایه داران و زمین داران، انقلابی را که خونبهایش را کارگران و زحمتکشان پرداخته بودند، به بیراهه می کشند و زنجیرهای اسارت را بیشتر و محکم تر بردست و پای آنها می بندند، این بار با آگاهی به اینکه بدون پاره کردن زنجیرهای اسارت که او را به اسارت سرمایه درآورده است و بدون درهم شکستن و خرد کردن همه ابزارهای که این اسارت را بر او تحمیل میکند، نمیتواند سلطه ستمگران و بنیاد نظم اجتماعی را براندازد، با عزم براندازی کامل بورژوازی و رهاندن کار از یوغ سرمایه بپا خاست و نخستین حکومت کارگری را برقرار ساخت . پیش زمین های کمون، از قبل فراهم شده بود. حدود ۹ ماه قبل از استقرار کمون، (۱۹ ژانویه ۱۸۷۰) با حمله ناپلئون به پروس ، جنگی ارتجاعی میان فرانسه و پروس آغاز شده بود . وقتی که ارتش امپراطوری در دوم دسامبر در فرانسه شکست خورد و بناپارت اسیر شد، امپراطوری بسرعت فرو ریخت و بار دیگر در فرانسه جمهوری مستقر شد. در این جمهوری اما، حکومت در دست فراکسیونهای مختلف بورژوازی از جمله سلطنت طلبان سابق (اورلئانیست ها) و برخی جمهوری خواهان طبقه متوسط قرار داشت که بسیاری از آنان داغ ننگ پاک نشدنی حوادث سالهای گذشته را بر پیشانی خود داشتند . آنان با استقرار در شهرداری پاریس و فریادهای جمهوری و جمهورخواهی، حکومت دفاع ملی را اعلام کردند و در اولین اقدام خود، خواستار خلع سلاح کارگرانی شدند که در جریان سقوط امپراطوری به تسلیح خود پرداخته بودند. کارگران و زحمتکشان اما خواستار جمهوری خود بودند . آنان مکرر به مقرر دولت در ساختمان شهرداری یورش برده و آنجا را به اشغال خویش درآوردند. وقتی که فرانسه توسط ارتش بیسمارک اشغال شد و پاریس مدت ۶ ماه محاصره درآمد، دولتیان که در اس آنها "تی یر" قرار گرفته بود ، خیانتکارانه به ورسالی گریختند! آنان بیش از آنکه از بیسمارک بهراسند، از پاریس انقلابی وحشت داشتند و ورسالی را به مقر توطئه علیه کارگران تبدیل کردند. ارتش پروس نیز داخل فرانسه و پاریس انقلابی را تهدید میکرد. در برابر تجاوز کاران پروس ، پاریس چه میتواند بکند؟

مارکس می گوید " پاریس نمی توانست در برابر تجاوز کاران پروس، از خود دفاع کند مگر آنکه طبقه کارگرش را مسلح نماید و در سازمانی فعال متشکل سازد و از طریق خود جنگ آنرا تعلیم دهد. اما پاریس مسلح معنایش انقلاب مسلحانه بود ، پیروزی بر پروس متجاوز به معنی پیروزی کارگر فرانسوی بر سرمایه دارفرانسوی وانگلهای دولتی بود"

" ورسالی " ضد انقلابی اما که کارگران مسلح را تهدیدی جدی علیه خود می دید ، برای خلع سلاح پرولتاریا از هیچ گونه توطئه ای فروگذار نکرد . درست یکروز بعد از آن که نخستین توطئه "تی یر" سردرسته ضد انقلابیون ، در ۱۷ مارس از سوی پارسیان دلاورانه درهم شکست، پاریس با غرش رعد آسای زنده باد کمون از خواب برخاست . با قیام ۱۸ مارس، تسلط کارگران بر پاریس ، قلب انقلاب فرانسه برقرار شد.

کمیته مرکزی " گارد ملی " این ستاد فرماندهی پرولتاریا، موقتا اداره امور را در دست گرفت و در



آنها که جاودانه اند

هر سال ۲۵ اسفند که روز بزرگداشت جانباختگان فدائی است، سازمان ما به این قهرمانان شکست ناپذیری که تا واپسین لحظات حیات پر افتخار خود علیه دنیای ستم و استثمار جنگیدند و در راه سوسیالیسم جان باختند، درود می فرستد و بار دیگر عهد و پیمان خود را در ادامه راه تا برافتادن نظام سرمایه داری و استقرار کمونیسم تجدید میکند. سازمان ما از همان آغاز که موجودیت اش را با نبردی قهرمانانه در سیاهکل اعلام نمود و مبارزه آشتی ناپذیری را با نظم موجود آغاز نمود، همواره با قهر و سرکوب پاسداران نظم کهنه و ارتجاعی روبرو بوده است.

از هنگامی که در آخرین روزهای اسفند ۱۳۴۹، گروهی از حماسه آفرینان سیاهکل توسط جلالان رژیم شاه به جوخه اعدام سپرده شدند تارو زهای ۲۴ و ۲۵ اسفند ۱۳۶۰ که دهها تن از کادرها و اعضا کمیته مرکزی سازمان مادر نبردی رویاروی ما مزدوران حکومت اسلامی جان باختند و از آن پس تا به امروز، صدها تن از فدائیان که آرمان شان سوسیالیسم و رهائی بشریت ستمدیده بوده است، در راه تحقق اهداف و آرمانهای شریف و انسانی شان جان باختند. این از خود گذشتگی، فداکاری و مبارزه قهرمانانه و تا پای جان صدها زن و مرد کارگرو روشنفکر فدائی در برابر دشمنانی که از هیچ قساوت و بی رحمی نسبت به رفقای ما فروگذار نکرده اند، حاکی از عشق و علاقه مفرط رفقای ما به کارگران و ستمدیدگان و آرزوی دنیائی بوده است که دیگر در آن ستمگر و ستم دیده ای وجود نداشته باشد و انسانهای آزاد و برابر در رفاه و شادکامی زندگی کنند.

مبارزه علیه ظلم و ستم، بی عدالتی، نابرابری و استثمار، همواره امری انسانی و برحق بوده است. این مبارزه از ناب ترین خصائل انسانی سرچشمه میگردد. کسی که مدافع ستم و استثمار، نابرابری و بی عدالتی است، هنوز در عامل بهیمنیت بسر میبرد و خصائل حیوانی را با خود حمل میکند. بالعکس کسیکه علیه دنیای ستم و استثمار، فقر و بی عدالتی شورش می کند و برای ایجاد جامعه ای انسانی، جامعه ای بدون طبقات، بدون ستم و استثمار تلاش می کند، انسان به تمام معناست.

از همان دوران باستان، یعنی از هنگامی که بنای جامعه طبقاتی با طبقات ستمگر و ستمدیده گذاشته شد، مبارزه علیه نابرابری و ستم همواره وجود داشته است. این مبارزه در دوران ما که تاریخ رسالت برافکندن نظام طبقاتی را بر عهده طبقه کارگر قرار داده است، شکلی کاملاً آگاهانه و همه جانبه بخود گرفته است. در پیشاپیش این مبارزه،

کمونیستها به عنوان آگاه ترین بخش طبقه کارگر قرار گرفته اند که لحظه ای از تلاش برای برافکندن نظم طبقاتی موجود غفلت نمیکنند. از این روست که طبقه ستمگر و ارتجاعی سرمایه دار که در پی حفظ نظام طبقاتی است و میخواهد چرخ تاریخ را متوقف سازد، به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب علیه کمونیست ها متوسل شده است. تمام تاریخ جهان از هنگامی که طبقه کارگر پا به عرصه حیات گذاشت و جنبش های سوسیالیستی و کمونیستی شکل گرفتند، گواهی بر این واقعیت است. در ایران هم وضع بر همین منوال بوده است. در ایران هم از هنگامی که طبقه کارگر شکل گرفت و نخستین جوانه های جنبش کمونیستی زده شد، کمونیستها با سرکوب، زندان و اعدام روبرو بوده اند. طبقات مرتجع حاکم همواره در این خیال خام بوده اند که میتوانند جنبش کمونیستی را نابود و سلطه طبقاتی خود را جاودانه سازند. این کودن های تاریخ نمی فهمند که کمونیسم مخلوق طبقه کارگر است و این طبقه را نمیتوان با سرکوب نابود کرد. آنها نمی فهمند که تا هنگامی که ستم و استثمار، بی عدالتی و نابرابری وجود دارد، مبارزه علیه آنها وجود خواهد داشت. از همین روست که برغم سرکوب و کشتار کمونیستها، هر بار این جنبش، قدرتمندتر از گذشته قدامت کرده است. رضاخان بخمال خودش کمونیسم را در ایران ریشه کن کرد، اما هنوز زنده بود که ببیند، هزاران کمونیست بپا خاسته اند. پسر رضاخان هم با تمام سرکوب هایش، پس از کودتای ۲۸ مرداد در همین خیال خام بسر میبرد که در اوج قدرتی اش، این بار فدائیان پرچم کمونیسم را به اهتزاز در آوردند. رژیم شاه بیرحمی و قساوت را به اوج خود رساند، هزاران فدائی را به بند کشید و صدها فدائی را به خاک و خون کشید، اما مبارزه ادامه یافت. بجای هرفدائی که بخاک افتاد، دهها و صدها فدائی قد برافراشتند و پرچم کمونیسم را همچنان در اهتزاز نگهداشتند. سرانجام شاه رفت و ما ماندیم. جمهوری اسلامی هم پا در جای پای سلف مرتجع خود گذاشت، صدها تن از رفقای ما را به جوخه اعدام سپرد، یا در خیابانها به قتل رساند، اما مبارزه ما همچنان ادامه یافت. جمهوری اسلامی هم در حال رفتن است و چیزی نمانده که به سرنوشت رژیم شاه دچار شود، باز هم ما مانده ایم و خواهیم ماند. ما خواه در نبرد با مرتجعین و بخاطر اهدافمان جان ببازیم یا زنده بمانیم، شکست ناپذیریم. چون طبقه ما شکست ناپذیر است. چون ما کمونیستیم و آینده به کمونیسم تعلق دارد. ما حقایق داریم، این حکم تاریخ است. رفقای قهرمان ما که بخاطر اهداف و آرمانهای شریف و انسانی طبقه کارگر و برای ایجاد دنیای نوین و انسانی کمونیستی مبارزه کردند و جان باختند، نمرده اند. جاودانه شده اند و جاودانه باقی خواهند ماند.

پیام تشکلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت سالروز بنیان گذاری کومه له

رفقای گرامی
سالروز بنیان گذاری کومه له و آغاز مبارزه انقلابی شما در دفاع از منافع زحمتکشان کردستان را شادباش می گوئیم. مبارزه برحق و عادلانه خلق کرد برای دموکراسی و حق تعیین سرنوشت، حلقه ای از مبارزات سراسری مردم ایران است که پیروزی آن، در وهله نخست مستلزم سرنوشتی جمهوری اسلامی است.
وقایع ماه های اخیر ایران بیانگر تشدید مبارزه کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی علیه جمهوری اسلامی است. تضادهای اجتماعی ناشی از تراکم مطالبات کارگران و زحمتکشان از یکسو، و سیاست های ارتجاعی حکومت، ناتوانی آن در پاسخگویی به مطالبات توده ها، تشدید سرکوب و خفقان از سوی دیگر، جامعه را به آستانه انفجار کشانده است. خشم متراکم توده های مردم علیه فقر و بیکاری، گرسنگی، تبعیض و بی حقوقی سیاسی، باگذشت هر روز به اشکال علنی تری بروز پیدا می کند و توده های به جان آمده، با استفاده از هرفرصتی، و به هزار یک زبان اعلام می کنند که از رژیم جمهوری اسلامی و مصائب ناشی از آن به ستوه آمده اند.
مرحله کنونی رشد اعتراضات علیه حکومت اسلامی، وظایف خطیری بردوش نیروهای چپ و انقلابی می گذارد. در این مرحله از جنبش، بر احزاب و سازمان های چپ و انقلابی است که با فشرده ساختن صفوف خود، تمام توان و انرژی شان را در راه کمک به سازمانیابی کارگران و زحمتکشان، و تجهیز سیاسی و تشکیلاتی طبقات محروم، علیه طبقه حاکم و حکومت ارتجاعی اسلامی به کار گیرند. سرنوشتی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان، تنها راه پایان دادن به مصائب کنونی، و احقاق حقوق توده های محروم کارگر و زحمتکش است.
دروها و تیرکات مجدد ما را پذیرا باشید

تشکلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
اول فوریه ۹۹



تظاهرات دهها هزار تن از مردم سندج

مبارزه و اعتراض مردم در کردستان در حال سرسرس است. در ادامه اعتراضات مردم کردستان در چند روز اخیر که در ارومیه به درگیری با نیروهای انتظامی و قتل دو نو جوان و زخمی شدن تعدادی از مردم انجامید، امروز دوشنبه دهها هزار تن از مردم سندج دست به تظاهرات زدند. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، از شب گذشته با صدور اطلاعیه های تبلیغاتی مبنی بر مسنوعیت گردهم آیی و پخش آن از تلویزیون، کوشید از گردهم آیی مردم ممانعت بعمل آورد. اما تهدیدهای رژیم کارساز نبود. دهها هزار تن از مردم به خیابانها ریختند و علیه رژیم شعار دادند. نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی به روی مردم آتش کشوند که بر طبق اخباری که تاکنون انتشار یافته، ۵ تن کشته و تعدادی زخمی شدند. در پی این اقدام وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی، مردم به چند مرکز دولتی حمله کردند و شعار سرنوشتی رژیم را سردادند. جمهوری اسلامی نیروهای ارتش و سپاه را از شهرهای اطراف و تهران به سندج اعزام نمود و در این شهر حکومت نظامی اعلام کرد. در همین حال خبر از گسترش اعتراضات در برخی از شهرهای دیگر کردستان رسیده است. برغم وحشی گریهای نیروهای سرکوب حکومت اسلامی، جنبش اعتراضی مردم کردستان ادامه دارد.

جمهوری اسلامی که در یک بحران عمیق گرفتار شده و به آخرین لحظات حیات تنگنیش نزدیکتر میشود، هنوز در این خیال باطل بسر می برد که با سرکوب و کشتار مردم، می تواند خود را نجات دهد. موج اعتراض و ناراضیاتی مردم در سراسر ایران در حال گسترش است و دیری نخواهد پایید که مردم سراسر ایران در یک جنبش همگانی طومار تنگنیش رژیم جمهوری اسلامی را در هم پیچند و بساط آن را جاروب کنند. سازمان فدائیان (اقلیت) اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را علیه مردم کردستان محکوم می کند و از خواستهای برحق و عادلانه آنها، از جمله حق تعیین سرنوشت، دفاع می کند.

سرنوشت باد رژیم جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۷/۱۲/۴

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی



تظاهرات صدها تن از دانشجویان دانشگاه شیراز

صدها تن از دانشجویان دانشگاه شیراز، روز سه شنبه در اعتراض به سیاستهای ارتجاعی حکومت اسلامی و وضعیت نابسامان رفاهی دانشجویان، در خیابانهای شیراز دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در پی مرگ یک دانشجوی رشته مکانیک آغاز گردید که گفته می شود در اعتراض به حکومت، خود را از طبقه فوقانی ساختمانی در کوی دانشجویی ارم به پائین پرتاب کرده است. در پی این رویداد، صدها تن از دانشجویان کوی ارم، اعتراض و تظاهرات ضد دولتی خود را آغاز کردند. مقامات دانشگاه شیراز کوشیدند دانشجویان معترض را آرام کنند، اما تلاش آنها نتیجه ای نداشت. دانشجویان دامنه تظاهرات خود را به خیابانهای شیراز کشانند. در میدان ستاد گرد آمدند و خیابانها را بستند. اقدام نیروهای سرکوب توانست مانع از اعتراض و تظاهرات دانشجویان گردد. لذا معاون استانداردی در محل تجمع دانشجویان حاضر شد و به آنها وعده داد که خواسته های شان را عملی خواهد ساخت. دانشجویان به این وعده و وعید توجه نکردند و تا اواخر شب به تظاهرات خود ادامه دادند.

تظاهرات دانشجویان دانشگاه شیراز، که در آن دسته جات دانشجویی وابسته به جناح های حکومت نقش داشتند، حاکی از رشد جنبش مستقل دانشجویی در برابر حکومت و همه جناح های آن است.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۷/۱۲/۶

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

از میان نشریات

فراخوان اتحاد فدائیان خلق به شرکت در انتخابات فرمایشی شوراهای اسلامی

جواب خواهد داد که مستقل از جناح های سهیم در حاکمیت . برای این اساس باید گفت که فلان سلطنت طلبی که " از صافی " گذشته است کاندیدای مستقلی است که "مورد پشتیبانی" سافخا قرار میگیرد، نهضت آزادی، جبهه ملی، سروشی ها، طرفداران منتظری و امثالهم در زمره همان "کاندیداهای مستقل" هستند که سافخا پشتیبانی خود را از آنها اعلام کرده است. این جاست که می بینیم موضع سافخا مبنی بر شرکت در انتخابات قلابی و فرمایشی حکومت اسلامی ، ادامه همان خطی است که می خواست شعار " الغل و لایت فقیه " را جایگزین شعار سرنگونی جمهوری اسلامی بکند و کنگره این سازمان ظاهرا آنرا رد کرد. این شعار در حرف رد شد، اما حالا عملا پیش برده می شود . این هم چیزی نیست جز توهم پراکنی پیرامون بهبود اوضاع تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و در غلطیدن به موضع استحاله لیبرالی رژیم.

نکته دیگری که در موضع گیری سافخا جلب نظر می کند ، همسوئی این سازمان با تمام جریاناتی است که برای بی اعتبار کردن شورا در ذهن کارگران و زحمتکشان تلاش می کنند.

این واقعیت بر همگان آشکار است که از همان نخستین روزهای پس از قیام ضد انقلاب اسلامی یکی از وظائف اصلی خود را سرکوب شوراهای قرار داد که توده های مردم ایران با ابتکار انقلابی خود آنها را ایجاد کرده بودند. جمهوری اسلامی شوراها را سرکوب کرد و آنها را برانداخت، اما نتوانست ایده شورا و خاطره آنرا از ذهن توده ها بزاید. حالا که جمهوری اسلامی به واپسین لحظات عمر ننگین خود نزدیک شده است، تمام جناحهای بورژوازی در تلاش اند تا ذهنیت مردم را نسبت به شوراها خراب کنند. آنها اکنون با طرح مسئله شوراهای اسلامی شهر و روستا، میکوشند ایده شوراهای انقلابی را از ذهن کارگران و زحمتکشان پاک کنند. چنین الغل کنند که گویا شورا همین نهاد ارتجاعی اسلامی می باشد که جزئی از دستگاه دولت ارتجاعی و سرکوبگر اسلامی است. در این شرایط وظیفه هنرنویزی انقلابی که به سوسیالیسم معتقد است و از منافع کارگران دفاع میکند، این است که این سیاست تخریبی رژیم را افشای کند، ماهیت ارتجاعی و ضددمکراتیک شوراهای قلابی را برملا سازد و به کارگران و زحمتکشان بگوید که شوراها ارگانهای اعمال حاکمیت توده ای هستند که با ابتکار عمل انقلابی توده زحمتکش ایجاد میشوند و نه ارگانهای تحمیق و سرکوب و جاسوسی که رژیم جمهوری اسلامی می خواهد بعنوان شورا جا بزند.

باید به کارگران و زحمتکشان توضیح دهد که شورا یک نهاد بی بو و بی خاصیت نیست بلکه ارگانهای مقننه و اجرائی هستند که توده زحمتکش مردم از طریق آنها به وضع قوانین میپردازند، از طریق آنها این قوانین را بمورد اجرا میگذارند ، و از طریق آنها امور کشور را اداره میکنند. باید به کارگران و زحمتکشان توضیح دهد که این شوراها تنها برویانه های حاکمیت نه تنها جمهوری اسلامی بلکه طبقه سرمایه دار و برویانه های نظم موجود میتوانند بنا شوند. باید با یادآوری رویدادهای دوران انقلاب به کارگران و زحمتکشان بگوید که تنها با قیام مسلحانه و سرنگونی رژیم و با درهم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود، میتوانند این امکان را بدست آورند که با ابتکار عمل خود شوراها را تشکیل دهند و از طریق آنها مستقیما" به اعمال حاکمیت بپردازند.

اما سافخا نه تنها در این باره چیزی نمی گوید ، نه تنها از بازگو کردن این حقیقت که شوراهای اسلامی رژیم حتی انجمن های بورژوازی نیمه دمکراتیک شهر و روستا هم نیستند، سرباز میزند، بلکه مردم را به شرکت در انتخابات ارگانهای ضد دمکراتیک، فرمایشی و ضد شورائی حکومت بنام "شوراها" فرا می خواند. سافخا در این زمینه تا بدان جا پیش میرود که واژه اسلامی را که ارتجاع به توان دو است در نوشته خود حذف میکند تا بهتر بتواند این نهادهای ضد شورارا به نام شورا معرفی کند. بیهوده نیست که در سراسر مقاله "انتخابات شوراها و موضع ما" حتی یکبار هم از شوراهای فرمایشی حکومت اسلامی به نام واقعی آنها یعنی "شوراهای اسلامی شهر و روستا" نام برده نشده و همه جا از آن بعنوان " شوراهای شهر و روستا " یاد شده است.

موضع گیری سافخا در مورد شوراهای اسلامی حکومت اسلامی و دعوت از مردم برای شرکت در انتخابات آنها بار دیگر نشان داد که این سازمان استعداد خارق العاده ای برای چرخش های به راست دارد. تنها کافی است که تحول اوضاع این سازمان را وادار به موضع گیری برسر مسائل مهم نماید ، تا گرایش خود را آشکار و استعدادش را شکوفا تر سازد . شعار " الغالی و لایت فقیه" تا مرحله شرکت در انتخابات شوراهای قلابی بمرحله عمل در آمده است. اما واضح است که این پایان کار نیست. این رشته سر دراز دارد. باید منتظر ماند و تداوم خطاستحاله را دید.

نشریه اتحاد کار، ارگان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، در شماره بهمین ماه ۷۷ در مقاله ای با عنوان " انتخابات شوراهای و موضع ما " مواضع این سازمان را در قبال ارگانهای ارتجاعی و تحمیق موسوم به شوراهای اسلامی، توضیح داد و مردم را به شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا فراخواند . اتحاد کار در این مقاله نخست به تفصیل در مورد خصلت ضد دمکراتیک "شوراها"ی مورد بحث داد سخن می دهد و می گوید: "انتخابات شوراهای شهر و روستا نیز مثل تمامی انتخابات در جمهوری اسلامی به شیوه ای ضد دمکراتیک و از بالاسازمان داده شده است و تمامی قوانین لازم برای کنترل آن به تصویب رسیده است." توضیح پیرامون این مسئله تا پایان مقاله به درازا میکشد و حتی در آخرین پاراگراف گفته می شود: در انتخابات اخیر نیز سیاست ما، افشای شرایط ضد دمکراتیک حاکم بر انتخابات شوراهای و پایمال شدن آزادی مردم در ایجاد شوراهای واقعی خود از طریق تلاش برای ایجاد شوراهای زرد و دولتی از طرف جمهوری اسلامی است." با تمام این اوصاف به ناگهان با یک قید "اما" همه چیز دگرگون می شود و آخرین جمله مقاله با این موضع گیری پایان می یابد: " اما در عین حال معتقدیم، با توجه به ابعاد انتخابات شوراهای شهر و روستا ، هر آنجا که کاندیداهای مستقل و مورد اعتماد مردم، امکان گذشتن از صافی هیئت های کنترل حکومتی را داشته باشند، می توانند مورد پشتیبانی قرار گیرند." اگر این جمله را به زبان صریح و روشن بیان کنیم، بدین معناست که سافخا از مردم میخواهد در انتخابات شرکت کنند، اما به کاندیداهای مستقل رای دهند . مستثنی از ماهیت این موضع گیری ، تناقض را ببینید . سافخا می گوید : " انتخابات شوراهای ارتجاعی اسلامی" مثل تمامی انتخابات در جمهوری اسلامی " ضد دمکراتیک و از بالا" ست و "تمامی قوانین لازم برای کنترل آن به تصویب رسیده است" " علاوه بر مقرراتی مثل اعتقاد کاندیدایها به ولایت مطلقه فقیه و غیره، ارگانهای کنترل دولتی رسمی از سوی هردو جناح، پیش بینی شده است." " احزاب و سازمانهای غیر حکومتی از حق حضور در این انتخابات محروم شده اند" مسئله شوراهای ضد دمکراتیک و ارتجاعی ربطی به مردم ندارد بلکه" به موضوع مجادله جناحها برسر تقسیم قدرت" بدل شده است. جناح خاتمی میخواهد آنها را "به کانون قدرت خود در مقابل جناح قدرتمند و غالب رژیم تبدیل کند." آنچه در این میان غایب است، حق انتخاب مردم و هرگونه شرایط دمکراتیک برای استفاده از چنین حقی است." با این وجود اتحاد فدائیان از مردم میخواهد که در انتخابات شرکت کنند. گوئی که تمام این موضوعات ربطی به مسئله تحریم یا فرا خوان مردم به شرکت در "انتخابات" ندارد. مردم ایران از آزادی سیاسی محروم اند ، از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن آزادانه محروم اند. کسی می تواند داوطلب نمایندگی شود که اعتقاد و التزام عملی به اسلام، حکومت اسلامی و استبداد ولی فقیه داشته باشد. تازه پس از آنکه داوطلبین کتبا شروط ارتجاعی و ضددمکراتیک رژیم از جمله گردن نهادن به استبداد ولی فقیه را پذیرفتند، یک بار سازمان جاسوسی و اطلاعاتی رژیم بر آنها را کنترل می کند، یک بار دستگاه قضائی، و یک بار هم وزارت کشور. و بالاخره کنترل نهائی را نیز ارگانهای موسوم به نظارت به عمل می آورند تا مبدا یک نفر خارج از مرجعین وابسته به حکومت در لیست باقی مانده باشد. همین واقعیت ها نشان می دهد که در جمهوری اسلامی چیزی بعنوان انتخابات به معنای رایج و متداول آن وجود ندارد. بلکه رژیم هر چند مدت یکبار، تعدادی از مزدوران و وابستگان خود را به مردم معرفی میکند که از میان آنها یک یا چند تن را "انتخاب" کنند. جمهوری اسلامی نام این نمایش مسخره را انتخابات میگذارد. اتحاد فدائیان هم مردم را به شرکت در این باصطلاح انتخابات دعوت میکند. آنها درست در شرایطی که جمهوری اسلامی با یک بحران بزرگ و نارضایتی گسترده توده ای روبروست و مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی در کلیت آن مبارزه می کنند. این موضع اتحاد فدائیان خلق تنها توهم پراکنی در مورد جمهوری اسلامی نیست ، بلکه درک ناقص و محدود این سازمان را از دمکراسی و آزادی های سیاسی نشان میدهد.

مطابق رهنمود سافخا ، مردم باید در انتخابات فرمایشی ، قلابی و بغایت ضد دمکراتیک نظام مبتی بر ولایت مطلقه فقیه شرکت کنند، اما ظاهرا این سازمان به مردم نمی گوید که به کاندیداهای یکی از جناحهای حکومت رای دهند، بلکه از آنها می خواهد به " کاندیداهای مستقل" رای دهند و از آنها حمایت کنند . کاندیداهای مستقل دیگر چه صیغه ای است . در مملکتی که دیکتاتوری عریان حاکم است و دهها دستگاه سرکوب و تفتیش و جاسوسی برجریان باصطلاح انتخابات نظارت دارند و آن را کنترل میکنند، سافخا از "کاندیداهای مستقلی" سخن میگوید که " امکان گذشتن از صافی هیئت های کنترل حکومتی را داشته " اند . حال برای یک لحظه فرض کنیم که چنین امکانی هم وجود داشته باشد، این "کاندیداهای مستقل" که هستند؟ سافخا در این مورد توضیحی نمیدهد، سؤال این است که مستقل از چه کسی؟ لابد

کمونیست ها و مسئله زن

کمونیستها پیگیرترین مدافعین برابری زنان و مردان در کلیه عرصه ها هستند. آنان همواره از طریق سازماندهی مبارزه علیه ستم و تبعیض نسبت به زنان، به رادیکال ترین شکل از مطالبات زنان دفاع کرده اند.

کمونیستها در عین حال که در عرصه نظری، تحلیلی علمی از پایه های ستم اقتصادی و جنسی برزن ارائه داده اند، در عرصه عمل نیز پیگیرانه برای برانداختن این ستم دوگانه مبارزه کرده اند.

مسئله زن از دیدگاه کمونیستها بخشی جدائی ناپذیر از نظام طبقاتی است. از همینرو، آنان رهائی واقعی زن را از قیود اقتصادی و جنسی در طبقات میدانند.

اگوست بیل، کمونیست آلمانی، در سال ۱۸۷۹ در کتاب "زن و سوسیالیسم" جنبه های تاریخی ستم برزن را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. اخلاقیات بورژوازی را به باد انتقاد کشید. نقش مذهب را در تأیید و تکریم تبعیض نسبت به زنان برملا میکند و محکوم می نماید، زنان را به مبارزه فرا میخواند و هشدار میدهد که زنان نباید بانتظار اعطای آزادی و برابری بنشینند. بیل در عین حال که مکرر بر طبقاتی بودن مسئله تأکید میورزد، از مبارزه برای مطالبات و خواسته های که در چارچوب نظام موجود تحقق آنها ممکن است، سخن میگوید و ورود زنان به میدان مبارزه را یکی از شروط اصلی تحقق مطالباتشان میدانند.

چند سال بعد، انگلس در "منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" به تفصیل، جنبه های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی مسئله را مورد بررسی و تحلیل قرار میدهد. او خانواده را یک نهاد اقتصادی معرفی نموده و بر دگی زن در چارچوب خانواده اشاره کرد. انگلس، مالکیت بروسائل تولید و استثمار را علت و منشأ تبعیض و نابرابری معرفی نمود. او عنوان کرد که این مناسبات غیر انسانی، فرهنگی را به جامعه تحمیل میکند که در تولید و بازتولید تبعیض فرهنگی بر زنان نقش دارند. نمود این امر، روابط زن و مرد در چارچوب خانواده، در جامعه سرمایه داری است. این را انگلس بدین شرح توضیح میدهد: "خانواده فردی نوین مبتنی بر بردگی خانگی آشکاری پوشیده زن است... امروزه در اکثریت عظیم موارد، مرد لااقل در میان طبقات دارا، روزی رسان و نان آور خانواده است و این امر به او... موضع مسلط میدهد که احتیاجی به هیچ امتیاز قانونی خاص ندارد. مرد در خانواده بورژوازی است، زن پرولتاریا."

باین وجود و به رغم این که انگلس بر نقش اخلاقیات و فرهنگ تبعیض آمیز نظام طبقاتی درسوالاتی ترین نهاد جامعه انگشت می گذارد، ولی تضاد زن و مرد را عمده نمیکند بلکه نظام طبقاتی را نشانه میگیرد. کمونیستها بر مبنای تحلیل علمی خود حل قطعی مسئله زن را در نفی نظام طبقاتی میدانند، اما این بدان معنا نیست که در مبارزه روزمره زنان برای تحقق مطالبات آنی خود غافل بمانند، بالعکس کمونیستها همواره از فعالترین و پیگیرترین مبارزین این عرصه مبارزه نیز بوده اند. نمونه های آن فراوان است. یکی از برجسته ترین این عرصه ها مداخله در جنبش حق رای زنان بوده است. در حالی که زنان طبقات مرفهه تحقق مطالبه حق رای برای خود را از کانال عریضه نویسی دنبال میکردند، کمونیستها از این حق برای عموم زنان دفاع نمودند و از همین رو با سازماندهی گسترده جنبش مبارزاتی زنان، با راه پیمائی ها، گردهم آئی ها و تظاهرات، برای تحقق این مطالبات کوشیدند. فراموش نباید کرد که تعیین روز جهانی زن نیز با ابتکار و تلاش کمونیستهائی امثال کلارا زتکین مسرگشت.

کمونیستها تحقق مطالبات زنان و حفظ دست آوردهای آنها را نه در بالا بلکه با سازماندهی توده های وسیع زنان مد نظر داشته و دارند. جنبش سوسیال دمکراسی آلمان و تلاش کمونیستی نظیر کلارا زتکین،

در اواخر قرن نوزدهم، نخستین سالهای قرن اخیر نمونه ای از آن را ارائه میدهد. هنگامی که در سال ۱۸۹۰ زنان از شرکت در سازمان های سیاسی، قانوناً منع شده اند، این زنان کمونیست بودند که با تاسیس سازمان های زنان، به سازمان دهی فعالیت های انقلابی در میان آنان پرداختند. انتشار نشریه برابری به سردبیری کلارا زتکین در سال ۱۸۹۲ تأثیر فراوانی در آگاهی زنان ایفا نمود. در اولین شماره این نشریه، دید مارکسیستی نسبت به مسئله زن تبلیغ شد و زنان به مبارزه پیگیر علیه نظام طبقاتی فراخوانده شدند. در عین حال کارزار وسیعی علیه مردسالاری آغاز شد. زتکین و سایر همزمانش، زنان را به مشارکت در بازار کار و تولید فرامی خوانند. او این امر را عاملی جهت "غلبه بر روحیه محافظه کاری زنان که ریشه تاریخی دارد" معرفی نمود.

همراهی و مداخله در مبارزات زنان، کمونیستهائی چون زتکین را قادر ساخت تا با جمع بندی تجارب و ویژه گیهائی مبارزاتی بر اغن و تکامل نظرات مارکسیستی در برخورد به مسئله زن بیفزایند. بر مبنای این تجربیات، مبارزه برای تحقق مطالبات زنان و مبارزه برای برانداختن ستم و تبعیض در عین حال مستلزم مبارزه نظری با دیدگاهی است که تضاد زن و مرد را عمده میکند و تلاش می نماید تا علت اصلی تبعیض و ستم به فراموشی سپرده شود. کمونیستها نه تنها در شرایطی که طبقه سرمایه دار حاکم است و از زاویه نقد نظری نظام سرمایه داری، از برافتادن زنان دفاع نموده اند، بلکه، زمانی که از مطالبات زنان دفاع گرفته است، در عمل نشان داده اند که از هیچ تلاشی برای برانداختن ستم و تبعیض فروگذار نکرده اند.

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، دولت شوراهای به فوریت کلیه قوانین ارتجاعی و زن ستیز را لغو و برابر حقوقی زن و مرد را در چارچوب قانون رسمیت داد. دولت شوروی در اوائل قرن بیستم قوانینی را به نفع زنان تصویب نمود که پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری در اواخر قرن حاضر هنوز بدان دست نیافته اند. اما تلاش کمونیستها برای برانداختن ستم و تبعیض در چارچوب قوانین محدود نماند. در همان هنگام، کارزاری جدی علیه فرهنگ بورژوازی و اخلاقیات پوسیده نظام طبقاتی آغاز گردید. کولتائی، یکی از کمونیستهائی برجسته، خانواده را بعنوان یک نهاد بورژوازی مورد نقد قرار داد. فحش را که یک پدیده ذاتی سرمایه داری و نظام طبقاتی است، بشکلی همه جانبه تجزیه و تحلیل کرد و به ترغیب و تشویق کار فرهنگی مستمر و بطئی در میان نیروهای بالنده جامعه پرداخت که خود به فرهنگ طبقاتی آغشته اند. کولتائی، در جریان این کارزار فرهنگی، وجود فرهنگ مرد سالاری در میان زنان و مردان را مورد حمله قرار داد. در عین حال وی جهت رهائی زن از شر کارخانگی، با خلاقیت، ابتکار و همراهی زنان، نمونه هائی از مهد کودکیهای جمعی، رختشویی خانه های عمومی و غیره را ایجاد نمود. در میان جوانان جنسیت و ستم جنسی را به بحث گذاشت و در همین سالهاست که ریشه های تاریخی اجتماعی ستم زن به عنوان دروس تحصیلی دانشگاهی منظور گردید تا بدین طریق نیز آگاهی نسل جوان نسبت به پدیده فوق ارتقا یابد.

کمونیستها در هر کجای دنیا که به مبارزه برخاسته اند، برای محو استثمار و ستم بوده است. ستم و استثمار که منشأ ستم و نابرابری جنسی است. در همان حال که کمونیستها با تشکل و مبارزه پیگیر نظام طبقاتی را هدف قرار داده اند، از مبارزه زنان نیز دفاع نموده و برای تحقق خواسته های آنها کوشیده اند.

در سازمان ما نیز از بدو پیدایش تاکنون، مردان و زنان کمونیست برای برانداختن ستم و استثمار مبارزه کرده و میکنند. مبارزه برای برانداختن ستم و تبعیض نسبت به زنان نیز جزئی از مبارزه سازمان ما بوده است.

نابود باد ستم و تبعیض علیه زنان



۸ مارس، روز زن را به زنان کارگر و زحمتکش و به همه کسانی که علیه تبعیض و ستم نسبت به زنان مبارزه می کنند، تبریک می گوئیم.

امسال هم به روال چندین سال گذشته، ما در حالی به استقبال ۸ مارس و بزرگداشت اهداف و آرمانهای آن می شتابیم که متأسفانه زنان ایران تحت یوغ رژیم ستمگر اسلامی، همچنان از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم اند و با بیرحمانه ترین تبعیض، ستم و سرکوب روبرو هستند.

در این ۲۰ سالی که از استقرار حکومت اسلامی در ایران می گذرد، مرتجعین حاکم بر ایران همواره کوشیده اند با وضع قوانین ضد انسانی و اجیاء ارزش ها و موازین ارتجاعی قرون وسطانی و مردسالارانه، بندهای اسارت زنان را مستحکم تر کنند. اما برغم این که رژیم جمهوری اسلامی با توسل به قوه قهریه، در این چند سال توانست بخشی از اهداف و مقاصد ارتجاعی خود را علیه زنان عملی سازد، مقاومت و مبارزه زنان در طول تمام این دوران به اشکال مختلف ادامه یافته است. فراموش نخواهد شد که هنوز چند روزی از آغاز حاکمیت ضد انقلاب اسلامی در ایران نگذشته بود که زنان مبارز، اعتراض و تظاهرات گسترده ای را علیه حجاب اجباری سازمان دادند. این مبارزه در سال های تحکیم سلطه ارتجاع نیز در تمام سطوح جامعه از کارخانه ها و مؤسسات دولتی گرفته تا مدارس و دانشگاهها، واز خانه گرفته تا کوچه و خیابان ادامه یافت. در همین دوران است که صدها زن مبارز در نبرد با جمهوری اسلامی جان می بازند و صدها تن دیگر به جرم مخالفت با حکومت اسلامی در زندانهای رژیم به بند کشیده می شوند.

در نتیجه همین ایستادگی، مقاومت و مبارزه زنان در تمام سطوح بود که جمهوری اسلامی نتوانست تمام اهداف و مقاصد شوم و ضد انسانی اش را عملی سازد، زنان را یکسره به خانه بازگرداند و حق کار و فعالیت در خارج از خانه را از آنها بگیرد. در نتیجه همین مقاومت و مبارزه بود که رژیم در چند سال اخیر پیوسته در برابر جنبش اعتراضی زنان ناگزیر به عقب نشینی شده است. اکنون نیز در حالی که جمهوری اسلامی با یک بحران عمیق روبروست و به مرحله فروپاشی گام نهاده است، مبارزه زنان با جدیت در تمام سطوح جامعه ادامه دارد. زنان ایران از مدتها پیش دیگر به این حقیقت واقف شده اند که با وجود جمهوری اسلامی نمی توانند به حقوق از دست رفته خود برسند، نمی توانند به حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با مردان دست یابند. نمی توانند تبعیض و ستم را براندازند. آنها در یافته اند که تحقق تمام مطالبات آنها در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. مداخله زنان در جنبش های اعتراضی موجود علیه جمهوری اسلامی، این حقیقت را آشکارا نشان می دهد.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۷/۱۲/۱۴

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

اخباری از ایران

استان گیلان در جمع کارگران، موضوع رسیدگی به مشکلات کارگران به جلسه حل اختلاف واگذار شد.

اعتراض کارگران مازندران

کارگران واحدهای تولیدی مازندران ضمن ابراز نگرانی خود نسبت به واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی شهرستان آمل، شدیداً با این موضوع مخالفت کرده و از مسئولین مربوطه خواستند که هر چه زودتر جلو این قضیه را بگیرند.

در شرایطی که امکانات بهداشتی و درمانی کافی در اختیار بیمه شدگان قرار ندارد، دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی می خواهد با واگذاری این مراکز درمانی، وضعیت درمانی کارگران را از آنچه که هم اکنون هست نیز وخیم تر سازد. کارگران که میدانند با واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی شهرستان آمل به بخش خصوصی، از همین حداقل خدمات درمانی هم محروم می شوند، نسبت به این اقدام شدیداً معترض اند.

نامه اعتراضی کارگران شرکت آجر ماشینی ارومیه

کارگران شرکت آجر ماشینی ارومیه با ارسال یک نامه اعتراضی خطاب به استاندار آذربایجان غربی، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند. کارگران در این نامه اعتراضی که رونوشت آن را از جمله برای وزیر کار رژیم هم ارسال کرده اند، ضمن اشاره به اخراج و بیکارسازی دهها تن از کارگران این شرکت، خواستار آن شده اند که مشکلات این واحد تولیدی بررسی شود و قبل از آن که این شرکت به تعطیلی کامل کشانده شود، تدابیر لازم اتخاذ گردد. آنان در نامه خود از جمله نوشته اند "روزگاری در این شرکت بیش از ۲۰۰ کارگر شاغل بودند و هم اکنون تعداد ۹۰ نفر در این واحد باقی مانده اند... کارگرانی که صادقانه و بطور شبانه روزی در کوره های تنگ و تاریک و سوزان آجر ارومیه مشغول بکار بوده اند، امروز بخاطر بی توجهی برخی مدیران بلامتکلیف و سرگردان مانده اند. بقیه نیز هر لحظه در انتظار تعطیلی کامل این کارخانه بسر میبرند!" کارگران در این نامه مخالفت خود را با تعطیلی کارخانه اعلام داشته و خواهان ادامه کاری آن شده اند.

نامه اعتراضی

کارگران صنایع ضایعات فلزی

شرکت صنایع ضایعات فلزی در آستانه تعطیلی است و ۱۵۰ کارگر این شرکت نیز در معرض بیکاری قرار گرفته اند. کارگران در یک نامه اعتراضی خطاب به رئیس جمهور و مسئولین باصلاح کاری، اشاره کرده اند که دو ماه است حقوق نگرفته اند و در اثر عدم توجه مسئولین و مدیریت کارخانه، این شرکت عنقریب تعطیل میشود و کارگران و اعضا خانواده شان که رویهم حدود ۸۰۰ نفر هستند، همگی با مشکلات عدیده و جدیدی روبرو میشوند. کارگران خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده و رسیدگی به سایر مشکلات خود شده اند. کارگران این کارخانه قبل از این نیز در یک یادداشت اعتراضی نوشته بودند "معلوم نیست چرا و با چه نیتی ابتدا شرکت را به بخش خصوصی واگذار می کنند و سپس صحبت از تعطیلی شرکت به میان می آید؟ تکلیف ۱۵۰ کارگر این شرکت چه می شود؟"

اعتراض یکپارچه کارگران نخکار

کارگران شرکت نخکار، در ادامه اعتراضات خود، روز دوشنبه پنجم بهمن ماه نیز با برپائی یک تجمع اعتراضی در محل وزارت کار و امور اجتماعی، خواستار پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند. قابل ذکر است که مسئولین و مدیریت این کارخانه، بیش از ۱۲ ماه است که حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نکرده است و در طول این مدت نیز مرتباً بر کاهش و عدم تولید تاکید داشته و نزدیک به چهار ماه است که این شرکت را بحالت تعطیل در آورده، کارگران را در حالت بلامتکلیفی نگاه داشته اند. یکی از کارگران این شرکت چنین عنوان کرد که "حتی پاداش و عیدی مربوط به سال گذشته نیز به کارگران پرداخت نشده و ۹۷ درصد کارگران نخکار بلحاظ معیشتی با دشواریهای فراوانی روبرو هستند و هیچ مرجعی نیز خود را ملزم به حل مشکلات کارگران نمیداند."

قابل ذکر است که صدها کارگر کارخانجات ریسندگی و بافندگی نخکار، در خرداد ماه سال جاری نیز با برپائی یک تجمع اعتراضی در برابر در و محوطه کارخانه، خواستار حقوق های عقب افتاده خود شده بودند و با حمل پلاکاردهائی نسبت به عدم پرداخت دستمزدها و نداشتن امنیت شغلی، اعتراض کرده بودند. اما مسئولین مربوطه هیچ گونه اقدامی در راستای حل مشکلات کارگران انجام نداده و مطالبات کارگران را بی پاسخ گذاشتند. اکنون کارگران نخکار بعد از آنکه با یک اقدام دسته جمعی اعضا شوروی اسلامی را برکنار کردند، بار دیگر دست به یک تجمع اعتراضی زدند. یکی از کارگران در مورد شوروی اسلامی کار میگوید "از آنجا که نمایندگان کارگران نخکار در شوروی اسلامی کار نیز نتوانستند در جهت احقاق حقوق کارگران کام بردارند، طی نامه ای، همه کارگران خواستار استعفای آنان شدند"

بدنبال این تجمع اعتراضی و یکپارچه کارگران نخکار که از ساعت حدود ۱۱ صبح تا ۴/۵ بعد از ظهر ادامه داشت، بلافاصله روابط عمومی وزارت کار با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که این وزارت به صدور روری مبنی بر پرداخت حقوق کارگران اقدام نموده است. همچنین به پیشنهاد وزارت کار و صنایع و تصویب هیئت وزیران، کمیسیونی مسئول رسیدگی به وضعیت این واحد گردید تا نسبت به راه اندازی آن و پرداخت حقوق های معوقه کارگران سریعاً اقدام کند.

تجمع اعتراضی کارگران نازپوش

کارگران کارخانه نازپوش انزلی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای ۱۴ ماهه گذشته، روز یکشنبه ۲۵ بهمن، با تجمع در محل کارخانه، طلبهای خویش را مطالبه کرده و خواستار رسیدگی به سایر مشکلات این واحد شدند. افزون بر آن جمعی از کارگران این واحد نیز با ارسال نامه ای اعتراضی به خبرگزاریها، خواستاران شده اند که به مشکلات کارگران رسیدگی شود. شایان ذکر است که ۱۸۵ کارگر کارخانه نازپوش بندرانزلی تولید کننده پوشاک، از دی ماه سال گذشته (۷۶) تاکنون هیچگونه حقوق و مزایائی اعم از عیدی و پاداش دریافت نکرده اند. کارگران این کارخانه که از اسفند سال گذشته چندین بار دست به اعتراض زده و حتی اقدام به بستن پل اصلی غازیان و انزلی نمودند که در جریان آن تعدادی از کارگران معترض نیز دستگیر و زندانی شدند ولی مطالبات آنان کماکان بلاجواب مانده است. کارگران میگویند که "این واحد تولیدی از سال ۷۲ مشکل دارد و در چهار مرحله به بخش خصوصی واگذار شده است. مدیر و سهامداران جدید شرکت، یک سال است که به شرکت نیامده اند. آنان اعلام ورشکستگی کرده اند. ولی کارگران دیگر تحمل این وضعیت را ندارند." سرانجام با حضور مدیر کل کار و امور اجتماعی

اخراج جمعی زنان کارگر

دوازده تن از زنان کارگر شرکت ابریشم طوس مشهد، از کار اخراج شدند. کارگران اخراجی با تجمع در محل خانه کارگر مشهد، نسبت باین مسئله اعتراض نموده و خواستار احقاق حقوق خود و بازگشت بکار شدند. یک کارگر اخراجی که ۷ سال سابقه کار دارد میگوید "اغلب کارگران شرکت ابریشم طوس از زنان هستند و اخیراً کارفرما عدم سودزائی و کمبود مواد اولیه را بهانه قرارداده و دوازده نفر را فعلاً اخراج کرده که اگر از طریق مراجع ذیصلاح اقدامی صورت نگیرد امنیت شغلی دیگران در خطر است" قابل ذکر است که این کارخانه در یکومتر ۲۰ جاده قوچان واقع شده است که در آن ۶۰ کارگر در زمینه تولید ابریشم فعالیت می کنند.

* بنا به آمار منتشره در روزنامه سلام مورخ ۱۱ بهمن، طی سال های ۷۰ تا ۷۶، ۴۰۰ هزار کارگر کارخانجات و کارگاه های سراسر کشور اخراج شده اند. تنها در ۶ ماهه اول سال جاری، ۱۵ هزار کارگر اخراج شده اند. ورشکستگی مالی و تعطیل کارخانجات علت شمار زیادی از اخراج ها هستند. موارد فوق تنها بخشی از فوج اخراج کارگران است و تنها موادی است که در یادگاہهای حل اختلاف حل و فصل شده و لذا بیانگر آمار دقیق اخراج ها نیست.

اعتصاب تاکسی رانان مهاباد

بیش از ۱۵۰ نفر از تاکسی رانان مهاباد، در اعتراض به پائین بودن نرخ کرایه، همراه با خودروهای خود از صبح روز دوشنبه ۲۶ بهمن در یکی از خیابانهای شهر تجمع کرده و خواستار افزایش کرایه حمل مسافر شدند. آنان با مسدود کردن خیابان بلوار ساحلی، از عبور و مرور سایر تاکسی ها نیز جلوگیری کردند. یکی از رانندگان تاکسی در مورد حمل مسافر میگوید "سه روز پیش از سوی شهرداری مهاباد کرایه حمل و نقل ۱۵۰ ریال اعلام شد، در حالیکه پس از چند روز این مبلغ دو باره به ۱۰۰ ریال کاهش یافت. این درحالیست که تعدادی از تاکسی رانان بدلیل افزایش کرایه، از سوی راهنمایی و رانندگی جریمه شده اند" تاکسی رانان با اشاره به افزایش قیمت مایحتاج عمومی و لوازم یدکی، خواهان افزایش نرخ کرایه تاکسی می باشند.

اعتراض دانشجویان در اصفهان

دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، در اعتراض به تعرض افراد بظاهر ناشناس به ۲ تن از دانشجویان این دانشگاه و مسدود ساختن آنها، روز ۲۴ بهمن با برپائی یک تجمع اعتراضی در برابر ساختمان مرکزی این دانشگاه، بی تفاوتی نیروهای انتظامی در مقابل این تحرکات را نیز محکوم و نسبت به آن اعتراض کردند. دانشجویان که تعرض کنندگان را مشتکی اراندل و اوپاش لقب داده بودند، خواستار دستگیری و مجازات آنها شدند.

بیکاری، معضل اصلی جوانان گیلان

بنا به اظهارات مقامات رسمی رژیم، یکی از مشکلات اصلی جوانان بندر انزلی، بیکاری است. نرخ بیکاری در انزلی، ۲۴ درصد است که بالاترین رقم در استان گیلان است. هم اکنون بسیاری از جوانان گیلان از فرط بیکاری بالاچاره به دستفروشی روی آورده اند. شهردار رشت، وجود حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر بیکار را یک معضل اساسی این استان خواند و آن را علت اصلی روی آوری جوانان به دستفروشی دانست.



انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا را تحریم کنیم



کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

رژیم جمهوری اسلامی که با گسترش روزافزون ناراضیاتی توده ای و جنبش اعتراضی مردم علیه حکومت اسلامی روبروست، شیوه های مختلفی را برای کنترل و مهار این جنبش به خدمت گرفته است.

درحالیکه مردم از ابتدائی ترین حقوق سیاسی، دموکراتیک و حتی انسانی خود محروم اند و هیچ نقشی در اداره امور کشور ندارند، سران، کارگزاران و جیره خواران حکومت اسلامی، تبلیغات گسترده ای را حول شوراهای اسلامی شهر و روستا و نقش آنها برافراشته، ادعا می کنند که شوراهای اسلامی ابزاری برای مداخله مردم در امور کشوراند و مردم را به شرکت در انتخابات فرامی خوانند.

اما تجربه ۲۰ سال ستمگری، سرکوب، اختناق و انتخابات فرمایشی حکومت اسلامی به مردم ایران آموخته است که رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم ارتجاعی، سرکوبگر، ضددموکراتیک و ضدمردمی است که کمترین نقشی برای مردم در اداره امور کشور قائل نیست و انتخابات، در این رژیم تماما قلابی و فرمایشی است در مورد شوراهای اسلامی و انتخابات آن نیز وضع بر همین منوال است. رژیم اعلام کرده است که تنها کسانی می توانند به عضویت این شوراها در آیند که التزام عملی به اسلام و حکومت استبدادی ولی فقیه داشته باشند. این خود، روشن می سازد که حکومت اسلامی در حد همین شوراهای فرمایشی هم برای مردم آزادی قائل نیست، و اعضاء آنها باید وابستگان و مزدوران جمهوری اسلامی باشند.

برای اینکه اجازه ندهند حتی یک عنصر «غیر خودی» در این ارگانها راه پیدا کند، یکبار وزارت کشور و دستگاه پلیسی و امنیتی وابسته به آن، در مورد «صلاحیت» داوطلبین عضویت در این ارگانهای فرمایشی نظر می دهد، یکبار دستگاه قضائی این صلاحیت را بررسی می کند یکبار هم دستگاه جاسوسی و سرکوب موسوم به وزارت اطلاعات در مورد صلاحیت افراد نظر می دهد. سرانجام پس از آنکه داوطلبین از تمام این صافی ها گذشتند و صلاحیت آنها بعنوان مرتجعین طرفدار حکومت اسلامی و ولی فقیه تایید شد، نوبت به هیئت های نظارت می رسد که آنها نیز کنترل نهائی را بکنند تا مبادا کسی در این میان پیدا شود که اندکی در اعتقادش نسبت به اسلام، حکومت اسلامی و ولی فقیه شک و تردید وجود داشته باشد. تازه در اینجاست که دعوا و کشمکش جناح ها خود را نشان می دهد که هر کدام چه سهمی در این ارگانهای دولتی داشته باشند. کشمکش های دو جناح بر سر شوراها، برغم ادعاهای عوام فریبانه جناح خاتمی در مورد نقش مردم، بهتر از هر چیز این واقعیت را روشن می سازد که دعوی این دو جناح بر سر این است که حزب الهی های طرفدار آن جناح بیشتر در شوراهای اسلامی نقش داشته باشند یا حزب الهی های طرفدار خاتمی. در اینجا آنچه که مطرح نیست، مردم و نقش آنهاست. توده های مردم ایران، ماهیت ارتجاعی شوراهای اسلامی شهر و روستا را به خوبی می شناسند و می دانند که آنها نه شورا به معنای واقعی کلمه، بلکه ارگانهای دولتی سرکوب، تحمیق و جاسوسی همانند شوراهای اسلامی کار در کارخانه ها هستند. از همین روست که خود را کاندیدای عضویت در این شوراها نکردند و قطعا در انتخابات آن نیز شرکت نخواهند کرد.

کارگران و زحمتکشان و عموم توده های تحت ستم ایران، که در جریان انقلاب علیه رژیم شاه، با ابتکار انقلابی خود به تشکیل شوراها مبادرت ورزیدند، نقش و اهمیت شورا را به عنوان ارگان اعمال حاکمیت توده ای می دانند و از یاد نبرده اند که حکومت اسلامی به محض به قدرت رسیدن، سرکوب و برچیدن شوراهای انقلابی را در دستور کار قرار داد.

جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم ضد دموکراتیک و ضد مردمی، دشمن شوراهای انقلابی بود، چراکه این شوراها با ابتکار انقلابی خود مردم و توسط خود آنها شکل گرفته بودند. این شوراها نشانه ای از قدرت کارگران و زحمتکشان برای اداره امور کشور و اعمال حاکمیت بودند. این شوراهای انقلابی می خواستند در جریان تکامل خود به ارگانهای قانونگذار و مجری قانون تبدیل شوند. لذا جمهوری اسلامی این شوراهای انقلابی را که محصول انقلاب بودند، در نطفه خفه کرده و آنها را سرکوب نمود و در هم شکست.

تردیدی نیست که توده های مردم ایران، بار دیگر در جریان انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می توانند، شوراهای انقلابی خود را پدیدآورند و با ایجاد حکومت شورائی و از طریق شوراها به اعمال حاکمیت بپردازند و امور کشور را اداره کنند

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقلیت)

اسفند ماه ۱۳۷۷

کار- نان - آزادی - حکومت شورائی

پیام تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) به شرکت کنندگان در مراسم بیستمین سالگرد انقلاب

رفقا و دوستان
بیست سال پیش توده های مردم ایران به مبارزه علیه رژیم شاه برخاستند تا به سرکوب و اختناق و فقر و بی عدالتی پایان دهند. آنها با گسترش مبارزات، برپائی اعتصاب عمومی سیاسی، و سرانجام قیام مسلحانه به سلطه نظام سلطنت پایان دادند. اما همانگونه که میدانیم عدم شکل طبقه کارگر و فقدان آگاهی و سازماندهی توده های زحمتکش سبب شد که علیرغم از خودگذشتگی و جانبازی توده های مردم، آنها نتوانند قدرت سیاسی را به چنگ آورند، حکومت به دست مرتجعینی افتاد که بر توهمات مذهبی توده ها، و ناآگاهی آنها تکیه زدند. زمان کوتاهی کافی بود که توده مردم به ماهیت واقعی مرتجعین اسلامی پی ببرند و دریابند که رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند هیچیک از خواسته های آنها را متحقق سازد. از آن زمان تا کنون هر اعتراض مردم به شدت سرکوب شده است. سران رژیم که خود پروسه سرنگونی رژیم شاه به دست توده های مردم را دیده اند، در هراس از توده ها، به وحشیانه ترین شکل ممکن به سرکوب اعتراضات برحق آنها پرداخته اند. طی بیست سال گذشته، ماشین تحقیر و آزار، شکنجه و کشتار، و ترور سازمان یافته دولتی یک دم از کار باز ایستاده است. هر اعتراض برحق کارگران، هر خواست عادلانه زحمتکشان، مطالبات ملیت های تحت ستم، خواسته های زنان و جوانان، با سرکوب پاسخ داده شده است. اما وقایع ماههای اخیر نشان داده است که دیگر رژیم نمی تواند به زور سر نیزه بر مردم حکومت کند. توده های مردم ایران از حکومت اسلامی بیزارند و خواهان سرنگونی آن هستند، از این رو مبارزات خود را علیه رژیم تشدید کرده اند.

در بیستمین سالگرد انقلاب، رژیم جمهوری اسلامی لرزانتر از تمام دوران حکومتش، و توده های مردم مصمم تر از همیشه برای به زانو درآوردن این رژیم، در برابر هم صف آرائی کرده اند. در چنین شرایطی، نیروهای چپ و انقلابی که از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انجام تحولات دموکراتیک و انقلابی در ایران دفاع می کنند، وظیفه دارند تمام توان خود را در راه آگاهی کارگران و زحمتکشان، و سازماندهی مبارزات آنها علیه جمهوری اسلامی به کار گیرند تا سرنگونی جمهوری اسلامی، با برقراری حکومتی دموکراتیک و انقلابی، و تحقق مطالبات توده های مردم قرین باشد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

بهمن ۱۳۷۷

اطلاعیه



دوراسم تشیع جنازه عباس

فضیلت کلام شرکت کنیم

و خاطره او را گرامی بداریم!

عباس فضیلت کلام (پدر فضیلت کلام) یکی از مبارزین سرشناسی که سالها در سازمان فدائی فعالیت کرده بود، پس از چندین سال مبارزه علیه رژیم های شاه و جمهوری اسلامی، سرانجام صبح روز جمعه هفتم اسفندماه ۷۷، چشم از جهان فرو بست و از میان ما رفت.

عباس فضیلت کلام که سه تن از فرزندان، رفقای فدائی مهدی و انوشه فضیلت کلام که در مرداد ۵۱ و بهمن ۵۵ در جریان درگیری با نیروهای مزدور شاه در تهران به شهادت رسیده بودند، و رفیق فدائی شیرین (معاضد) فضیلت کلام که در تیرماه ۵۳ زیر شکنجه به شهادت رسید، خود نیز فدائی و در زمره انقلابیون پیگیری بود که بخاطر مبارزاتش علیه رژیم سلطنتی، در سال ۵۱ توسط ساواک دستگیر شد و چندین سال را در زندانهای شاه سپری کرد. پدر فضیلت کلام، بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی نیز به مبارزات خویش ادامه داد. در جریان انشعاب در سازمان فدائی، علیه خط اپورتونیستی موضع گیری کرد و از اقلیت انقلابی به دفاع برخاست و بعدها وقتی مجبوره ترک ایران شد، از طریق شکل های مختلف، مبارزه علیه جمهوری اسلامی را پی گرفت. عباس فضیلت کلام، یکی از اعضاء بسیار فعال «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران» بود و توانسته بود از طریق این تشکل، نقش ارزنده ای در افشاء اقدامات سرکوبگرانه و جنایات جمهوری اسلامی ایفا کند. پدر فضیلت کلام همچنین یکی از اعضاء فعال تریبونال بین المللی برای محاکمه رژیم جمهوری اسلامی بود. در آخرین نشست عمومی این تشکل، که فقط چندروز قبل از مرگ او برگزار شده بود، فعالانه شرکت جست و بعنوان عضو هیئت هماهنگی تارک تریبونال بین المللی نیز انتخاب شد.

آری، پدر فضیلت کلام که تا آخرین لحظات زندگی خود علیه استبداد و ارتجاع و نابرابری و برای آزادی، برابری و آرمان های انسانی مبارزه کرده بود، ناگهان قلب بزرگش از حرکت ایستاد و همه رفقا و دوستان خود را به سوگ نشاند. مراسم خاکسپاری این عزیز از دست رفته، روز شنبه ۱۵ اسفند، در گورستان پرلاشز پاریس برگزار خواهد شد. بدینوسیله همه رفقا و دوستان و عموم مردم را به شرکت در این مراسم دعوت می کنیم.

دوراسم تشیع جنازه پدر فضیلت کلام این مبارز خستگی ناپذیر شرکت کنیم و خاطره او را گرامی بداریم!

سازمان فدائیان (اقلیت)

۸ اسفند ۱۳۷۷

بیست و یکمین سال انتشار

نشریه کار

با ایمان به پیروزی کارگران و

زحمتکشان آغاز می کنیم!



تجدید قراردادهای دسته جمعی در آلمان

از اواخر ماه ژانویه و با آغاز مذاکرات مربوط به تجدید قرار دادهای دسته جمعی، کارگران فلز کار آلمان دست به برپائی یک رشته اعتصابات زدند. در این دوران مذاکرات، کارگران با خواست افزایش دستمزدها به میزان ۶/۵ درصد پا به میان گذاشتند. روز ۲۹ ژانویه نیز بیش از ۲۲ هزار نفر از کارگران فلز کار این کشور، عزم راسخ خود برای دستیابی به خواسته های فوق را بنمایش گذاشته و دست از کار کشیدند، اما کارفرمایان تنها حاضر به افزایش دستمزدها به میزان دو و نیم درصد بوده و همین امر موجب تداوم اعتصاب کارگران شد. روز اول فوریه بیش از ۲۶ هزار نفر از فلز کاران و روزهای ۲ و ۳ فوریه بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارگران صنایع فلز آلمان دست از کار کشیده و خواهان تحقق مطالبات خود شدند. با طولانی شدن مذاکرات، اتحادیه IG - Metall اعلام نمود که چنانچه تا روز ۱۱ فوریه کارفرمایان با خواست کارگران موافقت ننمایند، کارگران در سراسر آلمان دست به اعتصاب خواهند زد. روز ۹ فوریه در منطقه بادن - ورتنبرگ مذاکرات به بن بست رسید و هزاران نفر از کارگران با توقف تولید، خواستار آغاز مجدد مذاکرات شدند. سرانجام روز ۱۱ فوریه، مذاکرات در منطقه فوق به نتیجه رسید و کارگران به بخشی از مطالبات خود دست یافتند.

راه پیمائی کارگران در اندونزی

روز ۹ فوریه، بیش از ۸ هزار نفر از کارگران اندونزی در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار و با خواست افزایش دستمزدها دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. در این روز کارگران در خیابان های شهر Suralaaya، دومین شهر بزرگ اندونزی، دست به راه پیمائی زده و خواستار تحقق فوری مطالبات خود شدند.

اعتصاب باراندازان بندر مالتا

روز ۲۹ فوریه، صدها نفر از کارگران بندر مالتا در اعتراض به شناورسازی ساعات کار، دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. در پاسخ به این حرکت، کارفرما ۷ کارگر را اخراج کرد. این عمل خشم کارگران را برانگیخته و اعتصاب ادامه یافت. سر انجام پس از ۳ روز کارفرما از اخراج کارگران صرف نظر کرد و کارگران به سر کارهای خود باز گشتند.

معدنچیان رومانی: بازهم اعتصاب!

تنها چند هفته پس از اعتصاب و راه پیمائی پیروزمند معدنچیان رومانی، روز ۹ فوریه، مجدداً معدنچیان Jiu اعلام نمودند که در اعتراض بشرايط نامناسب کار، روز ۱۷ فوریه دست به یک راه پیمائی اعتراضی به سمت شهر بوخارست خواهند زد. با اعلام این خبر، دولت رومانی بسرعت دست به کار

شده و در اولین اقدام خود، رهبر مبارز معدنچیان Miroin Cozma، را به دادگاه فراخواند. وی حدود ۲ سال پیش با اتهام رهبری اعتصاب معدنچیان در سال ۱۹۹۱، که در طی آن معدنچیان خشمگین در خیابانهای بوخارست دست به راه پیمائی زده و مجلس را به اشغال خود در آورده و با ماموران پلیس و ارتش به زد و خورد جانانه پرداخته و سرانجام دولت رومانی را وادار به استعفا نمودند، به ۱۸ ماه زندان محکوم شده و پس از یکسال، به حکم دادگاه بدوی، آزاد شده بود. اما دادگاه عالی رومانی روز ۱۵ فوریه حکم دادگاه بدوی را به ۱۸ سال زندان تغییر داد و به این ترتیب تلاش دولت سرمایه داران برای جدائی کارگران از رهبر خود و به شکست کشاندن اعتصابات آنها مسجل شد. در اعتراض به این تصمیم، روز ۱۶ فوریه بیش از ۵ هزار نفر از کارگران در مقابل محل دادگاه تجمع و سپس با بیش از ۱۲۰ اتوبوس بسمت بوخارست حرکت نمودند. این بار نیز پلیس ضد شورش و نیروهای نظامی با مسدود نمودن راه، تلاش نمودند که از این حرکت کارگران بسمت بوخارست جلوگیری نمایند در درگیری شدیدی که بین کارگران و ماموران در شهر Stoanesti روی داد. نیروهای پلیس با گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی به هزاران معدنچی اعتصابی حمله نمودند. در مقابل معدنچیان خشمگین نیز با تیر، زنجیر و چوب به حملات پلیس پاسخ گفته و به مقابله با ماموران پرداختند. اما پس از کشته شدن یکی از اعتصابیون و دستگیری بیش از ۲۵۰ نفر از جمله Cozma Miroin رهبر معدنچیان توسط پلیس، مقاومت اعتصابیون درهم شکسته و کارگران بحرکت خود پایان داده و به سمت منطقه Jiu باز گشتند. با شنیدن خبر دستگیری رهبر اعتصابیون و متوقف شدن حرکت کارگران توسط مامورین پلیس و ارتش، هزاران نفر از معدنچیان شهر Petrosani دست از کار کشیده و در مدخل ورودی شهر به استقبال اعتصابیون رفتند.

اعتصاب ۱۶ هزار

راننده اتوبوس در سوئد

روز ۲۵ فوریه، تمامی ۱۶ هزار نفر از رانندگان اتوبوسهای شهری در چندین شهر سوئد دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این رانندگان، که در شرکتهای خصوصی اتوبوس رانی بکار مشغولند، در اعتراض به شرایط دشوار کار خود دست به این اعتصاب زدند. رانندگان همچنین خواستار افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار هستند.

توقف قطارهای زیرزمینی در لندن

کارگران و رانندگان قطارهای زیرزمینی لندن، در روزهای ۱۴ تا ۱۶ فوریه دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند. این اعتصاب که تمام حمل و نقل شهری مسافران را در لندن متوقف نمود، در اعتراض به خصوصی سازی ها و کاهش امنیت شغلی و دستمزدها بود. این اعتصاب بدعوت اتحادیه RMT (راه آهن و کشتیرانی و ترابری) برپا شد.

* _ ۵۰ تکنیسین لابراتور بیمارستان دری برن شهر دارهام، عضو اتحادیه همصدا، از روز ۱۱ فوریه با خواست افزایش حقوق و بهبود شرایط کار دست به اعتصاب زدند و اعلام نمودند تا تحقق مطالباتشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

عبدالله اوجالان باید فوراً آزاد شود



در یک توطئه مشترک دولت های اروپائی و رژیم ترکیه، عبدالله اوجالان، یکی از رهبران جنبش مردم کردستان ترکیه که از منتهی پیش، تقاضای پناهندگی در یکی از کشورهای اروپائی را کرده بود، ربوده شد و به ترکیه انتقال یافت.

این اقدام، عملی راهزنانه و تروریستی از سوی دولت ترکیه محسوب می گردد که حتی بر طبق موازین و معیارهای بین المللی جهان سرمایه داری، محکوم است. در همین حال، اقدام شرم آور دولت های اروپائی در رد تقاضای پناهندگی اوجالان و مشارکت آنها در جریان ربودن اوجالان، بار دیگر ماهیت ادعاهای دروغین قدرتهای امپریالیست جهان را در دفاع از حقوق بشر آشکار ساخت. دولت های اروپائی با رد تقاضای پناهندگی اوجالان به راحتی مقابله نامه های بین المللی را در مورد پناهندگان زیر پا گذاشتند. این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که دولت ترکیه همانند دولت های ایران و عراق، سالها مردم کرد را به بیرحمانه مانده ترین شکل ممکن سرکوب کرده، به اقتیاد در آورده و از ابتدائی ترین حقوق انسانی، محروم ساخته است. اما گویا از دید قدرتهای امپریالیست، این اقدامات وحشیانه دولت ترکیه، حق این دولت است، لذا مبارزه علیه این ستم و سرکوب، تروریسم نام می گیرد، به نام مقابله با تروریسم مشترکا سرکوب می کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) اقدام راهزنانه و تروریستی دولت ترکیه و نیز خودداری دولتهای اروپائی از اعطای پناهندگی سیاسی به اوجالان را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری عبدالله اوجالان می باشد.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷/۱۱/۷۷

فرانسه: بدنبال یکی شدن دو شرکت رن پولنک و هوخست و اخراج کارگران، روز ۱۸ فوریه ۱۵۰۰ کارگر شرکت دارو سازی رن پولنک _ هوخست علیه اخراج ها دست به تظاهرات زدند.

* _ ۳۴۰ کارگر جنوب پول در پساک _ که تنها محلی در فرانسه است که سکه های "یورو" را خواهد ساخت، روز ۱۸ فوریه دست از کار کشیدند. کارگران در اعتراض به طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط کار دست به این حرکت زدند.

* _ از روز ۲۴ فوریه و به مدت سه روز، دوازده هزار کارگر کمپانی نفتی "الف _ اتوشم" بدعوت ث. ژ. ت، به منظور کاهش ساعات کار دست به اعتصاب زدند.

* _ کارگران رنو، روز ۲ مارس در کارخانه های مختلف این شرکت با خواست افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار، در چندین شهردست از کار کشیدند. این شرکت اعلام نموده بود که سود خالص آن در عرض یک سال ۶۳ درصد افزایش داشته و بالغ بر هشت میلیارد و هشتصد میلیون فرانک برلی سال ۱۹۹۸ می باشد.

با کمک های مالی

خود سازمان را یاری رسانید

رهبران و کارگردانان جمهوری اسلامی نیز در طول سالهای بعد از ۱۳۶۷ ارقام نجومی بدست آورده اند. دفتر مهندسی پتروشیمی واقع در شیراز (که ابتدا جهت امور مهندسی جزئی کارهای احداث و راه اندازی پدید آمد) بعدا به یک شرکت با تعداد زیادی کارمند تبدیل شد و بعلاوه بر خورد منافع تا این تاریخ تبدیل به شرکتهایی به نامهای زیر شده است: شرکت طراحی مهندسی پتروشیمی، شرکت توسعه صنایع پتروشیمی و شرکت سرمایه گذاری پتروشیمی. اینگونه تقسیمات جدید در تشکیلات صنعت پتروشیمی فقط به افزایش بوروکراسی و عدم هماهنگی کامل انجامیده است. البته واحد پتروشیمی ایران و ژاپن سابق به هرترتیب راه اندازی شده است و علاوه بر آن واحدهای پتروشیمی رازی و فارابی نیز در ماهشهر، پتروشیمی اراک، پتروشیمی شیراز، پتروشیمی خراسان نیز بعنوان واحدهای فعال پتروشیمی داخلی هزینه های مسگین اجرائی خود را (بعنوان هزینه سربار) برگرده مردم تحمیل می نمایند. از میان محصولات متنوع پتروشیمیایی که میتواند وارد چرخه تولید شود و در خدمت رونق اقتصاد داخلی قرار گیرد آنچه که قابل صادر نمودن باشد توسط شرکتهای خصوصی (وابسته به رژیم) خریداری شده و صادر میشود. بعنوان مثال با وجود پائین بودن هزینه انرژی در داخل، محصولات خروجی پالایشگاههای نفت (Raffinate) که میتواند خوراک واحدهای پتروشیمی باشد توسط دست اندرکاران رژیم از طریق شرکتی بنام فراساحل و ایران مارین سرویس با قیمت نازل خریداری و به خارج صادر میشوند. مثال دیگر، صادرات اتان، بوتان، متان و اتیلن میباشد که خود مواد اولیه اصلی واحدهای پتروشیمیایی است که آن نیز از طریق واسطه گری بالا ترین مقامات جمهوری اسلامی در مقیاس وسیع حراج میشود. سایر محصولات که به بازار داخل روانه میشود به هیچوجه قابلیت عرضه در بازار بین المللی را ندارند و خود بخود بعلاوه وجود سیستم تولیدی صحیح تقریبا بصورت مازاد در می آیند.

محصولات پی وی سی و پلی اتیلن تولید واحدهای ایران و ژاپن سابق و اراک هیچکدام قابل رقابت با محصولات مشابه خارجی نمیشوند، چرا که از نظر شاخص (Melt index) دچار مشکل میباشند. ویا کوههای شیمیایی تولید شده داخل که حتی تا سالهای ۶۵ کمبود عرضه داخلی داشت اکنون دچار مازاد است، و دلایل آن شامل رکود کامل تولیدات کشاورزی داخلی و عدم وجود سیستم منظم تولید میباشد. بعنوان مثال واحد تولید کود شیمیایی خراسان (قوچان) این اواخر اعلام نموده بود که چنانچه دولت فکری بحال محصولات آن نکند کارخانه تعطیل میشود. بعلاوه محصولات پتروشیمیایی بطور کلی و کوههای شیمیایی بطور اخص از نظر بازار بین المللی دچار انبوه عرضه محصول میباشند و از طرفی فقط محصولات اختصاصی پتروشیمیایی امکان رقابت در بازار را می یابند که در داخل، اینگونه محصولات تولید نمیشوند تنها واحد از این دسته، واحد تولید آروماتیک از مجتمع پتروشیمی سابق ایران و ژاپن بعلاوه روابط ناسالمی که در جریان تکمیل و ساخت آن بوجود آمد محصولات و تولیدات آن کاملا غیر استاندارد میباشد و واحد آروماتیک اصفهان نیز به همین سرنوشت دچار شده است. در اینجا تنها به همین یک نکته اشاره میکنم که در حال حاضر یکی از پرسود ترین فعالیتهای وابستگان رژیم واردات محصولات پتروشیمیایی از جمهوری آذربایجان است.

مصاحبه‌ای در مورد صنعت پتروشیمی و مطالبات فوری کارگران

به منظور آگاهی خوانندگان نشریه کار از نقش و موقعیت کنونی صنایع پتروشیمی در ایران و مطالبات فوری کارگران این رشته صنعتی، مصاحبه‌ای با اکبر جعفر نژاد، یکی از فعالین جنبش کارگری، صورت گرفته که در زیر آن را میخوانید.

قبل از هر چیز مختصری در باره تاریخچه صنعت پتروشیمی در ایران توضیح بدهید.

شاید اولین واحد پتروشیمی به معنای جدید آن بعنوان یک صنعت مستقل در کنار پالایشگاه آبادان از حدود سال ۱۳۴۵ در ایران ایجاد شده باشد و بعد از آن واحد پتروشیمی شیراز در کنار مرودشت (شیراز) شروع بکار نموده است. پتروشیمی آبادان در ابتدا با امتیاز و سرپرستی مستقیم شرکت بی - اف - گودریچ و سرمایه گذاری مرسوم (۴۹ سهم خارجی - ۵۱ سهم شرکت نفت ایران) جهت تولید لاستیک مصنوعی (بوتادین استایرین) و حلالهای شیمیایی اختصاصی با استفاده از مواد اولیه (خوراک) مایعات نفتی منطقه آغا جاری شروع بکار نمود. در حالیکه واحد پتروشیمی شیراز از ابتدا جهت تولید سود سوزآور (نیدروکسید سدیم) و کودهای شیمیایی ازتی و فسفاتی کار خود را آغاز نمود، از حدود سالهای ۵۳-۵۲ و چند برابر شدن قیمت نفت خام و سر ازیر شدن ارز خارجی (موسوم به دلارهای نفتی) شرکت ملی نفت ایران سرریعا در جهت سرمایه گذاری در بخش رو به رشد پتروشیمی اقدام نمود. قرارداد عظیم پتروشیمی ایران و ژاپن در منطقه سربندر (خوزستان) - طرح توسعه پتروشیمی شیراز - پتروشیمی اراک مربوط به همین دوره میباشد که هر سه آنها در سال ۵۷ بطور نیمه تمام رها شدند. در همان زمان طرحهای مطالعاتی توسعه صنعت پتروشیمی توسط شرکت ملی نفت انجام شده بود از جمله پتروشیمی اراک، پتروشیمی ماهشهر، پتروشیمی اصفهان.

به علت کاهش قیمت نفت در سال ۵۶-۵۵ و عدم تطابق برنامه‌های توسعه صنعت پتروشیمی با امکانات موجود و ریخت و پاش فراوان، عملیات تکمیل واحد پتروشیمی مشترک ایران و ژاپن از طرف شریک ژاپنی (شرکت میتسوئی) و عملیات تکمیل طرح توسعه واحد جدید پتروشیمی شیراز توسط شرکت دیوی انگلیسی معلق ماند، در حالیکه تحویل مجتمع پتروشیمی سربندر برای اوائل سال ۵۷ و برنامه تحویل واحد توسعه پتروشیمی شیراز برای اواخر سال ۵۷ برنامه ریزی شده بود. تا قبل از تغییر رژیم شرکت پتروشیمی بعنوان یک واحد در چهارچوب شرکت ملی نفت فعالیت میکرد و توانسته بود از نظر تربیت کادر متخصص قابل، موفقیت‌های بدست بیاورد.

رشد صنعت پتروشیمی در دوران جمهوری اسلامی چگونه بوده و آیا محصولات آن امکان رقابت در بازار جهانی را دارند یا نه ؟

از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی اغلب نیروی انسانی کارآزموده کل صنعت نفت و بخصوص صنعت جدیدتر پتروشیمی به بهانه های مختلف از کار برکنار شدند. این تصفیه نیروی انسانی در همه رده ها (کارگری، تکنیسین، مهندسی) انجام گرفت که در این رابطه "خدمات" آقای غرضی بسپار چشم گیر بوده است. خلائی ناشی از کمبود نیروی انسانی متخصص راه را برای وابستگان رژیم جهت راه اندازی شرکتهای خصوصی جانبی وابسته به صنعت نفت و پتروشیمی هموار نمود. راه اندازی اینگونه شرکتهای به موازات تشکیلات شرکت نفت و شرکت تازه تاسیس پتروشیمی به افت عملیاتی پیشتر تاسیسات از نظر نیروی انسانی کارآزموده انجامید. بعد از آن رژیم بدنبال راه اندازی واحدهای پتروشیمی در راستای طرحهای توسعه قبلی توانست با قراردادهای الحاقی، واحد پتروشیمی شیراز (توسعه طرح) را با کمک یک شرکت کره جنوبی به اتمام برساند ولی در جریان مذاکرات مجدد با طرف ژاپنی مجتمع پتروشیمیایی (ایران و ژاپن) کار رژیم به رسوائی کشید. بدین ترتیب که با توجه به زمان مذاکرات مجدد (۱۳۶۷) پیمانکار ژاپنی لزوم تغییرات اضطراری در طراحی آن را با توجه به پیشرفت سریع تکنولوژی از جمله سیستم های کنترل مورد استفاده در آن مجتمع که از نظر صنایع روز غیر ایمنی شناخته شده بود یادآور شد. ولی کارگزاران جمهوری اسلامی نفع خود را در این دیدند که با طرفهای جدید، قراردادهای نوینی بسته شود تا بدین ترتیب امکان سواستفاده های تازه مهیا گردد. بنابراین با یک شرکت فرانسوی بعنوان مشاور اصلی، قرارداد بسته شد و کارهای اجرائی یازده واحد مختلف آن مجتمع به شرکت های نامعلوم (ایتالیائی، مجاری، یوگسلاوی، روسی، لبنانی) واگذار شد و از این طریق شرکتهای داخلی وابسته به

از نظر تکنیکی صنعت پتروشیمی بیشتر وابسته به کدام انحصارات است؟

صنایع نفت و پتروشیمی بطور کامل در انحصار کارتلهای آمریکائی است، ولی وابستگی صنایع پتروشیمی داخلی بطریق واسطه در چهارچوب چنین انحصارات بین المللی قرار میگیرد. بدین ترتیب که طرف قراردادهای رژیم همواره شرکتهای غیر معروف و غیر عمده نفتی و پتروشیمی بوده اند. با این شیوه، رژیم، حربه تبلیغاتی و عوام فریبانه خود را در رابطه با ضد آمریکائی بودن حفظ میکند ولی عملا با بخدمت گرفتن تکنولوژیهای عقب افتاده خدمت بزرگی به انحصارات می نماید و از این طریق حق واسطه گری کلان به جیب کارگزاران رژیم میرود. بعلاوه با تولیدات غیر مرغوب که بدین ترتیب با هزینه فراوان و از بودجه کشور انجام میگردد باعث میشود که هرگز تولیدات داخلی توان عرضه در بازار بین المللی را نداشته باشند.

مراکز این صنعت بیشتر در کدام مناطق است؟

بطور طبیعی این صنایع میباید در کنار مناطقی باشند که مواد اولیه آن، مایعات نفت و گاز طبیعی فراوان باشد. به همین دلیل خوزستان منطقه اصلی تولیدات پتروشیمی میباشد: مجتمع پتروشیمیایی ایران و ژاپن سابق، واحد پتروشیمی آبادان، واحد پتروشیمی فارابی، واحد پتروشیمی رازی و واحد پتروشیمی ماهشهر. همگام با توسعه استفاده از گاز طبیعی

بزرگداشت سالروز قیام و سیاهکل در آلمان

خلاصه ای از پیام های سازمانهای سیاسی که به مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل رسید.

پیام به کمیته آلمان سازمان فدائیان (اقلیت)

بیست و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل،

بنیان گذاری جنبش فدائی گرامی باد!

بیست و هشت سال از حماسه ای میگذرد که سکوت و سازشی را که بر مبارزات جنبش مردم ایران سایه افکنده بود، درهم شکست. اعلام حضور پر قدرت و جسارت آمیز فدائیان خلق در ۱۹ بهمن ۴۹ حرکتی بی نظیر در تاریخ مبارزات مردم ایران بود. جنبشی که با مبارزه و فداکاریهای خود ارزشهای نوینی را در مبارزات انقلابی توده ها به ثبت رساند.

نیروی فدائی با وجود فراز و نشیبها و علیرغم سازش بخشی از آن با رژیم حاکم، به اعتبار گذشته تاریخی خود و مقاومت و شهادت بخش اعظم نیروهای آن در برابر رژیم جمهوری اسلامی، سهم انکار ناپذیری در شکل دادن به آینده ای روشن و موفقیت آمیز برای جنبش چپ و کارگری ایران ایفا خواهد نمود. پایبندی به سنتهای مبارزاتی و وفادار ماندن به جنبش طبقه کارگر و تمامی مزدبگیران جامعه، آن آموزشی است که ما فدائیان میبایست در مبارزه دنبال نماییم.

رقبای گرامی ضمن درود و ارج نهادن به تلاش هایتان در مبارزه مشترک علیه جمهوری اسلامی و سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران به گرمی میفشاریم.

کمیته آلمان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۹۹/۲/۲۰

رقبای عزیز سازمان فدائیان (اقلیت)

ما در این سالگرد خود را در کنار شما احساس کرده و برایتان در مبارزات آتی آرزوی پیروزی و موفقیت داریم. امیدواریم که با همکاریهای هرچه بیشتر عملی و مبارزاتی بر توان و نیروی مبارزات کارگری و آزادیخواهانه در داخل ایران افزوده و راه را بر فرصت طلبی و سازش و مماشیات سد نماییم.

سرنوشتی رژیم پوسیده و عقب مانده جمهوری اسلامی باکل جناحها و قوانین ارتجاعیش تنها بوسیله نیروی قاطع کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و آزادیخواه ممکن خواهد بود.

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست ایران، کمیته آلمان

فوریه ۱۹۹۹

از : کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید (واحد آلمان) به:

سازمان فدائیان (اقلیت)

بیست و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل را صمیمانه تبریک گفته و بر این واقعیت تاکید داریم که اتحاد و همکاری میان نیروهای انقلابی در سطح جنبش کارگری تنها راه پیوند ناگسستنی با مبارزات کارگران و زحمتکشان در راستای رهائی از نظم موجود میباشد. ما نیز همگام با شما رفقای انقلابی در ادامه مبارزاتتان علیه تبعیض و نابرابری در کنارتان خواهیم بود. پیروز باشید!

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید (واحد آلمان)

و حاضرین را غرق در سکوت مطلق و معنی دار ساخت. تشویق و شور و شوق حاضرین بعد از پایان شعر خوانی نمایانگر این امر بود. باردیگر _ مصطفی بروی صحنه رفته و دومین قسمت برنامه خود را که شامل ترانه های فولکلوریک خلقهای ایران میشد همراه با ضرب ر _ حمایت اجرا کرد . در پایان این بخش تنی چند از فعالین سازمان روی صحنه رفته و با دعوت از دیگر رفقای که در تظیف اقلیت قرار دارند منجمه رفقای هسته اقلیت، گروه کبری را تشکیل دادند. _ بهرام با گیتار و ر _ مصطفی با پیانو گروه کر را در اجرای سرود معروف و قدیمی " رود " همراهی کردند. این سرود خاطره انگیز که جز آندسته از سرودهایی است که هنوز در هر گردهم آئی طیف چپ انقلابی و به مناسبت های مختلف خوانده می شود، آنچنان مورد استقبال حاضرین قرار گرفت که گروه کر سرود انقلابی " آفتابکاران جنگل " را نیز اجرا کرد. سالن را یکپارچه شور انقلابی دربرگرفت و خواهان تداوم سرودخوانی شدند . در آخرین لحظات ، گروه کر که این بار تعداد بیشتری را دربرمی گرفت باردیگر به روی صحنه رفت و سرود انترناسیونال را همراه با جمعیتی که بپا خاسته بود اجرا نمود.

برنامه در ساعت ۱۲ درحالی که حاضرین هنوز به نوعی مشتاق تداوم برنامه بودند به پایان رسید. برآستی که مراسم سالگرد سیاهکل و قیام از یک سو جلوه ای از همکاری و همبستگی نیروهای چپ را بنمایش گذاشت و از سوی دیگر نمایانگر طرح مسائل سیاسی ایران از دیدگاهی کمونیستی همراه با برنامه های هنری مترقی بود. پیام همبستگی که از سوی احزاب ، سازمانها و ... ارائه شده بود متأسفانه به دلیل محدودیت زمانی در برنامه قرائت نشد.

واحد آلمان تشکیلات خارج از کشور سازمان به مناسبت بزرگداشت قیام و سیاهکل مراسمی در هانوفر برگزار نمود که گزارش این مراسم و پیام های سازمان های سیاسی را در زیر می خوانید.

*** **

بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل و بیست و هشتمین سالگرد قیام مسلحانه بهمن ماه ۵۷ واحد سازمان در آلمان مراسمی در روز شنبه ۲۰ فوریه در شهر هانوفر برگزار نمود.

نزدیک درب ورودی سالن عکس رنگی رزمندگان سیاهکل به چشم میخورد. در داخل سالن دور تا دور سالن با شعارهای سازمان و عکس جانبخته گان فدائی آراسته شده است. صحنه جلو سالن با خطی زیبا ، شعار زنده باد سوسیالیسم نزدیک به سقف سالن نصب گردیده است، و در اطراف آن قدری پائین تر طرحی زیبا و رنگی از سیاهکل و شعار کار ، نان ، آزادی و حکومت شورائی قرار گرفته است. بیش از ۴۰۰ نفر از ایرانیان آگاه و مترقی در این مراسم گردآمده اند که بعضاً رنج طی مسافتی طولانی از شهرهای دیگر راه جان خریدند. برنامه با یک دقیقه سکوت به یاد جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم و سپس اعلام برنامه آغاز شد. در ادامه، پیام سازمان بدین مناسبت خوانده شد و سپس رفیق مصطفی چند ترانه _ سرود را با ساز خود و همراهی ضرب رفیق حمایت اجرا کرد. اجرای پرشور و احساس این ترانه سرودها، حاضرین را به وجد آورده و آنان را تحت تاثیر قرار داده بود.

در بخش بعدی رفیق توکل یکی از اعضا کمیته اجرائی سازمان به سخنرانی پیرامون اوضاع سیاسی ایران پرداخت. قبل از آنکه بحث اصلی عنوان شود، رفیق توکل مدت زمانی را به بحث حول سیاهکل و مبارزه مسلحانه سازمان چریک های فدائی اختصاص داد . در این بحث ضمن اشاره به محدودیت ها ، اشکالات و انحرافات سازمان در رابطه با این روش مبارزاتی، به ضرورت شروع یک مبارزه انقلابی در آن مقطع اشاره کرده و از جوهر انقلابی حرکت حماسه سیاهکل و دستاورد های آن دفاع نمود . سپس اوضاع ایران را مورد بحث و بررسی قرار داده و گرایش متضاد که در عرصه تحولات جامعه وجود دارند را مورد ارزیابی قرار داد . رفیق در بحث خود اولین مانع را در مسیر برآورده شدن خواسته ها و مطالبات کارگران و زحمتکشان، جمهوری اسلامی با تمامی جناحها و دسته بندی هایش قلمداد نموده و بر ضرورت سرنوشتی رژیم تاکید کرد و حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان راه حل قطعی برای پایان دادن به وضعیت اسفبار توده های مردم در ایران عنوان نمود. پس از ارائه سخنرانی ، مدت کوتاهی به سؤال و جواب گذشت . سپس خانم افسانه راکی به شعر خوانی پرداخت و تعدادی از سروده های خود را برای حاضرین خواند.

پس از استراحت ، آهنگساز و گیتاریست برجسته ر _ سیروس ملکوتی به اجرا قطعاتی از آهنگهای خود پرداخت که مورد استقبال شدید حاضرین قرار گرفت . در قسمت دوم برنامه ر _ بهرام از همکاران " اندیشه و پیکار " با گیتار خود به اجرای تعدادی از ترانه _ سرودهای انقلابی پرداخت و بر شور و شوق برنامه افزود . پس از آن عباس سماکار شروع به خواندن اشعاری از خود کرد . در این بین ، سیروس ملکوتی به روی صحنه رفته و شعر خوانی سماکار را با پیانو همراهی نمود. لحن گرم و گیرای سماکار در خواندن شعرهای زیبایش توأم با پژواک دلنشین صدای پیانو ، سالن

کمک های مالی رسیده

اتریش	۲۲ بهمن	۵۰۰۰ شلینگ
آلمان		
سوسیالیسم		۱۰۰۰ مارک
شوراهای کارگری		۵۰۰ مارک
فرانسه		
م. ب.		۴۵۰ فرانک
بلون کد		۲۰۰ فرانک
بلون کد		۲۰۰ فرانک
بلون کد		۲۰۰ فرانک
فروز		
م		۱۰۰۰ کرون
بلون کد		۴۰۰ کرون

← پیام سازمان اتحاد فدائیان (واحدانور) به

بیست و نهمین سالروز جنبش سیاهکل

رفقا و دوستان گرامی!

جنبش سیاهکل سرآغاز مبارزه ای بود که از اعماق سالها سرکوب و خفقان رژیم شاه سرآورد و نهال نازک امید و آرزو را در دل توده های رنج و کار آبیاری کرد.

جنبش سیاهکل با آرزوی برپایی دنیای نوینی آغاز گشت و در پی آن بود تا با رسیدن به جامعه ای فارغ از ستم و رنج طبقاتی، شادی، سازندگی و صلح را برای مردم ایران نویدآورد باشد. این آرزو به حقیقت نپیوست و جنبش سیاهکل با تمام پیامدهای عظیم خود، نظیر روی کرد گسترده مردم و زحمتکشان به سازمان فدائی در مقطع انقلاب، به شکست انجامید. ما نتوانستیم از این پیشباز همگانی به درستی سود ببریم و در راه بسیج و سازماندهی نیروی انقلاب و برپایی سوسیالیسم به کارش اندازیم. با این حال، درس اول جنبش سیاهکل که عبارت بود از فداکاری در راه آرمانهای انسانی و جرات کردن در انجام کارهای عظیم، چون آینه در پیش گاه ماست و مانند ستاره ای در دل آسمان تیره میهن ما در سطره رژیم ننگ و نفرت جمهوری اسلامی میبرخشد. این مبارزه ، هنوز هم ، نوید بخش رسیدن به سرزمین فارغ از ستمی است که در طول تمام تاریخ بشریت از آرزوهای انسان بوده است.

خجسته باد سالروز دلوری فرزندان مردم در جنبش سیاهکل!

خجسته باد آرزوی انسان برای صلح، پیشرفته و زندگی فارغ از ستم طبقاتی!

پیروز باد سوسیالیسم!

سازمان اتحاد فدائیان (واحدانور) ۲۰ فوریه ۹۹

پیام کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید

به سازمان فدائیان (اقلیت) بمناسبت ۲۸ مین سالگرد حماسه سیاهکل

رفقای گرامی!

۱۹ بهمن سالروز حماسه سیاهکل و ۲۸ مین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان (اقلیت) را صمیمانه تبریک میگوئیم. در سیاه ترین روزهای خفقان ستم شاهی، هنگامی که توده های زحمتکش ایران در چنگال ظلم و ستم یکی از وحشیانه ترین دیکتاتوریهایی تاریخ گرفتار آمده بودند، ناگهان از اعماق جنگلهای سیاهکل حماسه ای پا گرفت که طنین آن شور رهائی از ستم بهره کشی طبقاتی را چنان برانگیخت که به حقیقت میباید از آن بعنوان سرآغاز جنبش نوین رهائی بخش توده های تحت ستم ایران یاد شود.

رفقای گرامی!

بحران همه جانبه جمهوری اسلامی راپس از بیست سال جنایت و ۰۰۰۰ آن، در برگرفته، بحران حکومتی جناحهای مختلف رژیم رابه رویارویی آشکار با هم کشانند. جنبش اعتراضی و آزادیخواهی توده مردم پس از یک دوره افت و سرکوب شدید در حال اعتلاست. رژیم خطر را احساس کرده است. برای برون رفت از این مخمصه، سرکوب را تشدید کرده و بازمه جانهای بسیاری را خواهد گرفت. اگر چه هر اقدام جنایت کارانه این رژیم از این بعد با سرعت بیشتری بحران حکومتی را بازتولید کرده و تعمیق خواهد بخشید، اما یگانه راه مقابله با آن، تشدید مبارزه و اتحاد عمل مبارزاتی نیروهای انقلابی، حضور فعال در میان توده های کارگر و زحمتکش و تشویق آنان به تشدید مبارزه علیه این رژیم ضد بشر، جنایتکار و آفریننده ستم و استثمار است.

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید

۱۹ بهمن ۱۳۷۷

پیام تشکیلات خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به مراسم روز سیاهکل!

رفقا!

جوهر واقعی سیاهکل و پیام اصلی آن مبارزه در هر شرایط و به هر قیمت بود. اگر این پیام جنبش چریکی با درسهایی که از خطاهای جنبش فدائی گرفته شده ترکیب شود، میتواند بطور جدی در خدمت خودرهائی کارگران و امر سوسیالیسم در ایران قرارگیرد.

رفقای گرامی!

جنبش اعتراضی توده ای در ایران بطور دم افزونی رشد یافته و رژیم حاکم بر ایران را با یک بحران جدی سیاسی مواجه ساخته است. مردم دیگر نمیخواهند به شیوه سابق زندگی کنند و حاکمان نیز نمیتوانند به شیوه سابق حکومت کنند. در چنین شرایط حساسی مهم ترین وظیفه نیروهای چپ رادیکال شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی در برابر آلترناتیوهای رنگارنگ دیگر است. تنها از طریق استقرار دولت کارگری یعنی حاکمیت اکثریت استثمار شونده در ایران است که مردم ایران به عدالت اجتماعی سوسیالیستی، دموکراسی، آزادی و سایر درخواستهای پایه ای خود مانند رفع ستم ملی و جنسی دست خواهند یافت.

رفقا!

در شرایطی که نیروهای طرفدار طبقه کارگر و سوسیالیسم در ایران به آحاد گوناگونی تجزیه شده اند یکی از مهم ترین وظایف برای ایجاد آلترناتیو «اکثریت عظیم برای اکثریت عظیم» شکل دادن به اتحادی از هواداران سوسیالیسم در ایران است که همه آحاد مبارزه سوسیالیستی در کشورمان را (علیرغم اختلافات شان و بر مبنای اشتراکاتشان) تحت یک پرچم واحد گرد هم آورد. اکنون سالهاست که تلاش مشترکی در چهارچوب «اتحادچپ کارگری ایران» در این راستا آغاز شده است. اما متأسفانه برخی از گرایشات رادیکال درون جنبش فدائی سهم درخوری در این تلاشها به عهده نگرفته اند. تکرار پیام جاودان سیاهکل در انطباق با لحظه ای که در آن قرار داریم معنای جز پیوستن گرایشات رادیکال جنبش فدائی به تلاش مشترک برای ایجاد اتحادی گسترده از نیروهای سوسیالیستی ندارد، اتحادی که وظیفه آن شکل دادن به بلوک طبقاتی کارگران و زحمتکشان بعنوان سنگ بنای آلترناتیو دولت کارگری و یا حکومت اکثریت در ایران باشد.

خاطره سیاهکل هرگز فراموش نخواهد شد!

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی، زنده باد دولت کارگری، تشکیلات خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بهمن ۲۷-۹۹ فوریه ۹۹

سالگرد قیام و سیاهکل گرامی باد

رژیمهای ضدانقلابی سرمایه داری سلطنتی و جمهوری اسلامی، با هدف نابودی هرگونه صدای مخالف، در راستای حفظ و بقای سرمایه، از هر عمل ننگین ابائی ندارند.

شاهد شکنجه های وحشیانه، زندانها، اعدامها، قتلها، ترورها در اشکال مختلف بوده ایم و هستیم! رژیم جمهوری اسلامی ایران هم پیمان با سرمایه جهانی و برای حفظ سلطه و زیرساختهای سرمایه داری وابسته، صدها هزارتن از زندانیان سیاسی را به جوخه های اعدام فرستاده است و این اعمال جنایت کارانه همچنان ادامه دارد.

با درود بر حماسه سیاهکل

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

برقرار باد سوسیالیسم

سازمان شورای کار ۷۷ بهمن

پیام هسته اقلیت به مناسبت:

گرمیاداشت حماسه سیاهکل

هر جنبش و سازمان سیاسی در متن شرایط تاریخی- اجتماعی ای قابل بررسی است. سیاهکل نشانه ی جنبشی بود که در دل استبداد سلطنتی و در متن رکود سیاسی حاکم بر جامعه آغاز به شکفتن کرد. جنبشی که پرچم نقد انقلابی سنت های سیاسی معاصر، یعنی جبهه ملی بعنوان محل تلاقی گرایشات ملی گرا، حزب توده بشابه نماد سیاسی رفرمیسم و نیز درجانی محافظه چپ را برافراشت.

فقدان یک چشم انداز روشن در برابر بدیل سرنگونی رژیم سلطنتی و عدم تمرکز برپایه های یک جنبش معین برای تحقق سوسیالیسم یعنی جنبش طبقه کارگر، مهمترین محدودیت های این جنبش بود. همین محدودیت ها سبب شد که با وجود رسد وسیع در آستانه قیام بهمن ماه و پس از آن این جنبش نتواند جوانب گوناگون ره یافت های مبارزه سوسیالیستی را دریابد و از آن پس درگیر گسست ها و کشمکش های درونی متعدد شد.

هم اکنون بزرگداشت سیاهکل در شرایطی برگزار میشود، که جامعه ایران وارد دوران جدیدی از تحولات سیاسی شده است. جنبشهای مردمی در سیمای جنبش کارگری، تحرکات جنبش زنان، جنبش آزادی خواهی و . . . از هر روزنه و شکافی سر برمی آورد و رژیم اسلامی را به چالش می طلبند. تحت این شرایط است که شکاف درمیان گرایشات مختلف جمهوری اسلامیدام افزایش مییابد و راه برای دخالت انقلابی در اوضاع سیاسی جامعه هموارتر میشود. همراه با این شرایط که جامعه ایران بیش از هر دوره نیازمند یک دگرگونی انقلابی است و مهمترین نشانه ی یک تحول انقلابی بزرگ کشتین جمهوری اسلامی است، خیل وسیعی از گرایشات بورژوازی، کارگزاران سرمایه، ملی گراها و فرص طلبان جورواجور سیاست حمایت از اصلاح طلبی اسلامی خاتمی و جناحهای متحدش را به پیش کشیده اند. مزوی کردن این گرایشات و درهم شکستن این سیاست، در گرو اتکا به جنبش های مردمی و تاکید بر مطالبات پیشرو این جنبش ها است. با به پیش کشیدن خواستهای برابری طلبانه، آزادی خواهانه و موازین پیشرو و مترقی است که راه برای استقرار جنبش های مردمی بر مطالبات اساسی شان باز شده، زمینه های شکوفایی آنها هموار گردیده و شرایط برای سرنگونی سازی انقلابی رژیم اسلامی تسهیل میشود. همگرایی نیروها، محافل و گرایشات پیشرو و کمونیستی بر سر این مطالبات، دخالتگری در اوضاع سیاسی براساس منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه دخالت در دیگر جنبش های مردمی، مهمترین سیاستی است که هم اکنون در برابر نیروهای پیشرو قرار دارد.

جاودان باد خاطره بخون تیدگان فدائی، و دیگر رهروان راه

آزادی و سوسیالیسم

سرنگون باد جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری شورائی

زنده باد سوسیالیسم

کمیته هماهنگی هسته اقلیت بهمن ماه ۱۳۷۷

درد بر حماسه سازان همیشه جاوید سیاهکل

در رژیم ضدانقلاب سلطنت که تمام صدها در گلو حبس شده و انقلابیون به جوخه های مرگ فرستاده میشدند، حاکمیت و سلطه سرمایه وابسته به امپریالیسم کارگران و زحمتکشان را به بردگی و استثمار کشیده بود. نبردگران در راه آزادی طبقه کارگر، راه رهائی بشریت را روشن نمودند، بیااد حماسه سازان سیاهکل، آرمانهای کمونیستی آنها، آرمانهای آزادی طبقه کارگر از یوغ سلطه سرمایه جهانی را ارج می نهم.

تنها با نابودی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت شوراهای کارگران و زحمتکشان میتوان آزادی همه احاد مردم را نوید داد.

پرافتخار باد باد حماسه آفرینان سیاهکل

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد حاکمیت شوراهای کارگران و زحمتکشان

اتحاد چپ کارگری، واحد هامبورگ ۷۷/۱۱/۹۹

اخباری از ایران

بیکاری جوانان خوزستانی

مدیر کل کار و امور اجتماعی خوزستان، بیکاری جوانان را عمده ترین معضل استان نامید. وی رقم بیکاران این استان را ۱۷۹ هزار ذکر کرد و پیش بینی نمود چنانچه روند بیکاری طبق شرایط فعلی پیش برود، در سال ۸۰ تعداد بیکاران این استان به ۲۰۰ هزار نفر خواهد رسید.

دانشگاه رفته ها بیکارند!

مدیر کل کارلرستان اعلام کرد که ۴۰ درصد بیکاران لرستانی را کسانی تشکیل می دهند که تحصیلات دانشگاهی دارند. وی رقم بیکاران این استان را ۶۹ هزار و متوسط نرخ بیکاری را ۱۷/۲ درصد اعلام کرد.

خودکفائی حکومت اسلامی

اخیراً معاون وزارت بازرگانی رژیم اعلام کرد، واردات کالاهای اساسی در سال آینده افزایش نخواهد یافت و در حدسال جاری حفظ می شود. وی اضافه کرد که ۹۰ درصد روغن مصرفی، ۶۰ درصد قند و شکر مورد نیاز کشور، از طریق واردات تامین میگردد. حکومت اسلامی که مکرراً ادعا کرده است کشور را به خود کفائی رسانده است، وضعیت تولیدات را بجائی رسانده که هم اکنون بسیاری از کالاهای اساسی حتی گندم هم از خارج وارد میشود که معاون آقای وزیر البته در برابران سکوت کرده است. معهدا همین اعتراف جزئی یعنی واردات ۹۰ درصد روغن و ۶۰ درصد قند و شکر مصرفی، تصویر بسیار روشنی از خود کفائی در جمهوری اسلامی بدست می دهد.

قطع انگشتان دست

در آخرین جلسه ای که اواسط بهمن ماه بمنظور رسیدگی به پرونده سه نفر بجرم سرقت، در شعبه ۱۶۰۱ مجتمع امور جنائی به سرپرستی فردی بنام حجت الاسلام حسینی کوه کمری برگزار گردید، این سه نفر بنام های میرزا ۴۵ ساله، رضا ۲۷ ساله و محمد ۲۵ ساله، به قطع انگشتان دست راست محکوم شدند.

پیام تشکيلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) به

گردهم آئی بزرگداشت رفیق فدائی عباس فضیلت کلام

رفقا و دوستان!
جنبش کارگری و کمونیستی ایران، یکی از مبارزین استوار و خستگی ناپذیر خود را از دست داد.

رفیق فدائی عباس فضیلت کلام در زمره آن دسته از انقلابیونی بود که سراسر عمر و زندگی خود را در مبارزه بخاطر آزادی و سوسیالیسم سپری کرد.

رفیق (پدر) عباس فضیلت کلام، مبارزه خود را در سالهای دهه ۲۰ به عنوان یکی از فعالین جنبش کارگری و سندیکالیستی آغاز نمود، و به حزب توده پیوست. اما بزودی دریافت که حزب توده آن حزبی نیست که به خاطر سوسیالیسم و رهائی بشریت ستمدیده مبارزه کند، لذا صفوف این حزب را ترک کرد، معهدا مبارزه را ادامه داد. هنگامی که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، پرچم مبارزه ای آشتی ناپذیر، علیه نظم موجود را به اهتزاز در آورد، رفیق پدر این بار بهمه فرزندان قهرمانش، رفقا، مهدی، شیرین و انوشه، مبارزه را در صفوف سازمان ادامه داد.

رفیق پدر در زندان شاه بود که جلاخان رژیم سلطنتی، سه فرزند دلوروش را به قتل رساندند. تحمل از دست دادن این عزیزان سنگین بود، اما رفیق پدر با استواری، این ضربه سنگین را تحمل کرد و پیگیرانه تر به مبارزه ادامه داد.

رفیق پدر که درآستانه قیام از اسارت رژیم شاه رها شده بود، فعلا در قیام مسلحانه شرکت نمود و مبلغ پر شور سازمان بود. سازمان چریکهای فدائی ایران، برای رفیق پدر فضیلت کلام نیز، همانند تمام انقلابیون ایران، مظهر مبارزه آشتی ناپذیر علیه نظم موجود بود. لذا هنگامی که جریان موسوم به اکثریت، راه سازش با ارتجاع را در پیش گرفت و به اهداف آزادی خواهانه، کارگری و سوسیالیستی سازمان پشت کرد، او بدون کمترین تردید، از مواضع «اقلیت» دفاع نمود. رفیق پدر در دوران مهاجرت نیز همان مواضع را دنبال و همان پیگیری و استواری در مبارزه را حفظ کرد و تا آخرین لحظه حیاتش نقشی فعال در مبارزه ایفا نمود. او سربلند زست و سربلند به خاک سپرده شد. یادش گرامی باد.

تکيلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۷/۱۲/۱۱

گزارشی از مراسم خاک سپاری

پس از دقایقی که همراه با سکوت بود، تابوت در کور نهاده شد، تشییع کنندگان هرگدام شاخه گلی در دست در صفی طولانی از مقابل گور عبور کردند و شاخه گل را بر گور نشانند. آنگاه سرود انترنا سیونال با همصدائی کثیری از شرکت کنندگان در حالیکه مشت های گره کرده در بالای سر داشتند، خوانده شد. گویا این کافی نبود، پس، شماری از رفیقان پدر سروده های انقلابی رود، ایریلیق، بهاران خجسته باد را که سالیان سال است درگردهم آئی های جنبش چپ انقلابی خوانده میشود (و همین چند روز پیش خود پدر نیز آنها را در آخرین نشست سیاسی دوران زندگی خویش خوانده بود)، را خواندند تا یاد اورا گرامی دارند.

رفیق پدر فضیلت کلام از میان ما رفت ولی یاد و خاطره او همواره در ما زنده خواهد ماند، چرا که آرمانهای او در ما زنده است. بر ستاره پنج پربرزگی از گل که از سوی سازمان به نشانه ادای احترام به این مبارز پیگیر راه آزادی و سوسیالیسم برگور پدر نهاده شد، نوشته شده بود:

رفیق پدر زومت پایدار

فردای روز مراسم تدفین یعنی یکشنبه هفتم مارس، مراسم یاد بودی از سوی کمیته برگزار کننده در پاریس برگزار شد که بیش از ۴۰۰ نفر در آن حضور داشتند.

در این مراسم چند تن سخنرانی کردند و جلوه هائی از زندگی و مبارزه رفیق پدر را به طرق مختلف بازگو و یا به نمایش گذاشته شد. یارانی که در مقاطع گوناگون با او خاطراتی مشترک داشتند و یا از نزدیک با او فعالیت های سیاسی مشترک داشتند، خلاصه ای برای حاضرین گفتند و خواندند. فیلم کوتاهی که از پدر تهیه شده بود به نمایش در آمد. تعداد زیادی از احزاب، سازمانها، نهادها و شخصیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پوزیسون پیام همبستگی ارسال کردند و یاد اورا گرامی داشتند.

تشکيلات خارج کشور سازمان نیز پیامی بشرح زیر برای مراسم یاد بود ارسال نمود:

مباحثای در مورد صنعت پتروشیمی و مطالبات فوری کارگران

امکان ایجاد صنایع پتروشیمی در مناطقی که گاز استخراج میشود و یا کنار لوله اصلی انتقال گاز طبیعی به روسیه بوجود آمده است: پتروشیمی اراک، واحد اروماتیک اصفهان، پتروشیمی خراسان و طرح نیمه تمام پتروشیمی تبریز.

نیروی شاغل در این بخش حدودا چقدر است؟

نیروی شاغل در این بخش شامل کارگر، تکنسین، مهندس، پرسنل اداری و خدماتی میباشد رقمی بالاتر از سیصد هزار نفر را تشکیل دهد (این رقم مستند نمیباشد و برپایه حدس است) و از تعداد اخیر نصف آن یعنی حدود ۱۵۰ هزار نفر را کارگران تشکیل میدهند.

وضعیت مادی و معیشتی کارگران این رشته چگونه است و فوری ترین خواسته های آنها چه هستند؟

دستمزد کارگران صنایع پتروشیمی کفاف زندگی آنها را نمیدهد. کارگران این صنعت، همانند سایر کارگران صنعتی بعلت ناکافی بودن دستمزدها و ادار به اضافه کاری اجباری میشوند. اوضاع منازل سازمانی کارگران صنعت پتروشیمی از نظر رسیدگی به سرویس و نگهداری آنها بعلت رواج فساد مالی و پاج خوری شرکتهای تابعه خدماتی همواره نابسامان است. غذای کارگران به همان دلیل از پائین ترین کیفیت برخوردار است و اکثرا بصورت آمیزه ای از برنج و عدس میباشد. مرخصی های استحقاقی کارگران به دو علت عمده غالبا مورد استفاده آنها قرار نمیگیرد، یکی بعلت آنکه تعداد روزهای مرخصی در ارتقا سالیانه مستقیما دخالت داده

میشود و دیگر آنکه بعلت فشار مالی کارگران ترجیح میدهند تعداد روز های مرخصی را بصورت نقدی دریافت دارند تا بتوانند بارسنگین هزینه های سرسام آور زندگی را حداقل در پایان سال بطریقی و تا حدودی کاهش دهند. مرخصی های استعلاجی کارگران نیز چنان درگرداب بوروکراسی غوطه میخورد که اینگونه مرخصی ها کابوسی برای آنان است. هرچند که سلامتشان در خطر باشد. یکی از معضلات جدی کارگران صنعتی و بخصوص صنایع پتروشیمی، نزول سطح ایمنی در تمام عرصه ها (احداث، تعمیر و بهره برداری) میباشد. تلفات کارگرانی که در زمان تعمیر و نگهداری مخازن نفت و گاز وارد آنها میشوند قابل توجه بوده است و حال آنکه پیشگیری چنین حوادثی از پیش پا افتاده ترین اصول ایمنی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی میباشد. بعلاوه در حال حاضر فقط کفش و لباس کار بطور سالیانه تحویل داده میشود و از سایر وسایل ایمنی شامل ماسک ضدغبار، ماسک ضدگاز، گوشی ضدصدا، لباس ضد آتش (برای محیط های مربوطه)، لباس ضد اسید (در واحدهای مربوطه) و عینک تراشکاری کلا از فهرست وسایل ایمنی مورد نیاز کارگران یا حذف شده است و یا آنکه شامل اقلامی است که فقط هزینه های مالی آن در تراز حسابها آورده میشود. یکی از مبرم ترین مطالبات کارگران نفت و پتروشیمی در حال حاضر امنیت شغلی است چرا که رژیم با شعار و الگوی خصوصی سازی، شرکتهای تامین نیروی انسانی وابسته به خود را فعال میسازد (مانند شرکت رامپکو). و کارگران و اپراتورها را بطور دستجمعی با پرداخت مبلغ جزئی با خرید و مرخص میکند تا آن شرکت با قوانین بخش خصوصی (اسلامی) برخی از آنها را استخدام کند. نمونه مشخص این گونه اعمال که به اعتراض اخراج شدگان و تجمع در مقابل ادارات پرسنل انجامیده هم در مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن سابق و هم در مجتمع پتروشیمی شیراز اتفاق افتاده است. از میان سایر مطالبات فوری کارگران صنعت نفت و پتروشیمی بهبود شرایط کار و در اختیار گذاردن وسایل ایمنی کار به آنها میباشد.

گزارشی از مراسم خاک سپاری

رفیق عباس فضیلت کلام

معمولا مرگ عزیزی، یاری و یا هم‌مرزمی را بسیاری از نزدیکان باور نمیکنند و یا نمیخواهند باور کنند، مگر تا آن لحظه که حادث شود. درگذشت رفیق پدر عباس فضیلت کلام علیرغم آنکه پای به سن کهولت نهاده بود، برای انبوهی از دوستان و رفقای که در ارتباطی تنگاتنگ و عاطفی با رفیق پدر بودند، از این گونه‌است.

چه کسی میتوانست مرگ رفیق و هم‌مرزمی را که تا آخرین دقایق عمرش، مسئولانه و پایدار به آرمان خود یعنی آزادی و سوسیالیسم وفادار ماند و همواره در این راه با روئی گشاده و با تلاش خستگی ناپذیر بیش از پنجاه سال عمر خود را پای آن گذارد، باور کند! چه کسی میتوانست بپذیرد که رفیق پدر با آن روحیه بالا، لیکنندنی پرمهر بر لب و با آنکه عمری را در ناملایمات گوناگون از سرگذرانده بود و همیشه کوشش داشت در نسل های پس از خود این روحیه را بپروراند، یکباره از میان ما برود؟! آن لحظه اما فرارسید و رفیق پدر صبح گاه روز ۷ اسفند (۲۶ فوریه) در تبعید از میان ما رخت بر بست. شنبه ششم مارس مراسم تدفین رفیق پدر بود. بسیاری از شرکت کنندگان در مراسم قبل از آنکه در گورستان پرلاشز گرد آیند، در سرد خانه حضور پیدا نمودند و برلی آخرین بار با جسم بی جان او وداع گفتند.

در محل تجمع نزدیک گورستان پرلاشز، انبوه جمعیتی حدود ۸۰۰ نفر پشت سر اتومبیل حامل جنازه که ستاره سرخ بزرگی از گل بر آن نصب شده بود، در صفوف منظم و بسمت درب گورستان حرکت کردند. صفوف تشییع کنندگان که اکنون بیشتر به یک راهپیمائی و تظاهرات شباهت داشت پس از طی مسافتی نسبتا طولانی وارد گورستان شد. تاج های بزرگ گل که از سوی بسیاری از احزاب، سازمانها و شخصیت های اپوزیسیون بدین مناسبت تقدیم شده بود، دورتادور تابوت آراسته شد. قاب عکس بزرگی از رفیق پدر با لبخند همیشگی بر لب در کنار تابوت و برتنه درخت تکیه داده شد. سپس رفیق پرویز نویدی یکی از اعضا کمیته برگزارکننده مراسم، ضمن تشکر از تمامی کسانی که از اقصی نقاط گرد آمده بودند، صحبتی کوتاه در وصف صفات و روحیات پدر داشت.

در یکصد و شانزدهمین سالگرد درگذشت

مارکس ،

خاطره این آموزگار و رهبر کبیر پرولتاریا

راگرامی می داریم !

رفیق پدر انقلابی پیگیری بود که بیش از هر چیز مرد میدان عمل بود. بیش از ۵۰ سال مبارزه در این راه خود گواه این امر است. رفیق پدر که در یک خانواده کارگری متولد شده بود و خود از همان سنین نوجوانی به کار پرداخت، یکی از فعالین جنبش کارگری بود که در دهه ۲۰ در ارتباط با شورای مرکزی اتحادیه ها و حزب توده فعالیت میکرد. قبل از کودتای ۲۸ مرداد دو بار در سال های ۲۵ و ۲۸ به اتهام فعالیت های کارگری دستگیر شد. پس از کودتا نیز چند بار دستگیر و از جمله در ۱۳۲۳ به یک سال و نیم زندان محکوم شد. برغم این که پدر فضیلت کلام حزب توده را به خاطر خیانت های بی‌انتهایش ترک گفته بود، اما لحظه ای صحنه مبارزه را ترک نکرد. بمحض این که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، تشکیل شد رفیق پدر، فعالیت خود را در ارتباط با سازمان آغاز نمود. در سال ۵۱ دستگیر و در آستانه قیام از زندان آزاد شد. پس از قیام نیز پیگیرانه از خط مشی انقلابی دفاع نمود و در صفوف " اقلیت " سازمان علیه سازشکاری، اپورتونیسیم و خیانت " اکثریت " به مبارزه پرداخت. پس از انشعاب نیز همواره از موضع اقلیت دفاع نمود و تا آخرین لحظات حیاتش به این مواضع رادیکال پایبند بود. او در سن ۷۴ سالگی همچنان یکی از فعال ترین کادرهای جنبش در مبارزه علیه رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی بود. او همه جا حضور داشت. هر جا که سنگری از اعتراض و مبارزه علیه ارتجاع حاکم بر ایران شکل میگرفت، بلا درنگ جایگاه خود را در آن سنگر باز می یافت. از نشست های سیاسی تا جلسه تدارکات، از کانون زندانیان سیاسی _ عقیدتی تا تظاهرات پاریس، لاهه، ژنو و تا شرکت فعال در جلسات و کارهای تریبونال بین المللی که آخرینش بود.

صفحه ۱۵

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

اطریش
I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue Lecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر بیکدی از آدرس های سازمان ارسال نمایند.

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 323 mar.1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق